

مانور جدید هیات حاکمه:

تلاشی عجیب

هیئت حاکمه در هفته اخیر بعد از نطق آیت الله خمینی جبار و جنجال جدیدی را با عنوان پاکت زنی آداریات آغاز نموده است. بر روی سیاست های گذشته آن نشان میدهد که یکی از تاکتیکهای اصلی آنها برای جلوگیری از فروریزگی سووم بوده ها و کاهش سرعت آن طرح شمارهایی است که در تشکیل بنوعی با خواست خود مطبق نیستند اما بدولی در محتوی برضد بوده ها برای فریب آنها و انحراف سمیت کمتری مبارزه ها ان اسبی شک بوده ها: نظام اداری بیتنگ آمده اند و خواهان نابودی آن هستند و هیئت حاکمه سرکار نه همین خواست را تلتی مینماید که با منافع خود مطبق سازد باک سازی را با زدودن آرمهای رژیم منحوس گذشته یعنی ماله ای که منتخما درهای از منکلات اداره ها را کاهن نمیدهد. آغاز منما بدوستا نمفیه کما سی که دارای افکساری مخالف انقلاب اسلامی است ادا مده مدها این کمان میتوانند تا منسل همه نیروهای سرقی و مبارزی شود کدار محسوی احتما عی این انقلاب از عطر دروا هه آن بیتنگ آمده اند و خواهان شمیر منسادی آن هستند! البته منسوا نمنامل عمارت منخما واستند رژیم کاند مانتد اما وقتی ساواکهای بر حتمه مورد تعوضرا منکمر بدور ساواک منسا سا مانه می بیند و روابط احتما عی از حتمه منسا سات اداری سرا منما ندو

نصفه در صفحه ۳

(کمونیست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند. کمونیست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند. کمونیست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنگران انقلابی متکی هستند.)
(ولادیسرا ایلیچ لین)

رزمندگان

از گران سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۱۹ دوسه ۱۶ تیسر ۵۹ - نهمه ۳۰ وصال

ما و امر وحدت

مقاله ای از

اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر

از آبان ماه ۵۹ تا اسفند ماه ۵۹ هر روز ما نشستند تا یکدیگر را بشناسیم و گفتگو کنیم. برای این کار کمی بدو ظاهر عظیمی کردیم و گفتگوهای بسیار شد. هم اکنون بیس روی او گذاشته و نادرک استیصال! و وظایف عظیمتری که! مثلا محسوم و نزدیک جنبش انقلابی سردوش خواهد کرد! رن ما مد اما با موفقت کوسی انرا که از نظر اندشولوژیک - سامی با تقویت و فقدان بر ما مد ما سونا کنکهای

نصفه در صفحه ۳

جنگ و صلح

در کردستان

درباره موضع اپورتونیستی

اکثریت کمیته مرکزی "س.ج" و شاخه کردستان

رحمتکس کردستان به اسکار انقلابی جهت ادا رفزندگی خود در دستورای بر آوردن خود مختاری و بطور کلی حق تعیین سرنوشت خویش آنا زنده حرکت کردند. این عبادت تدبیر پس وجهی خود را بروردان. جنگ در کردستان را و مناخ و احوال عمومی جنبش انقلابی در ایران حد است

نصفه در صفحه ۵

جنگ در کردستان جنگ مسلمان خلق کردها است. حاکمه جمهوری اسلامی یعنی مداخلات حاکم مسلمان در این جنگ منتهی بقا دنیا تسخیر خواهند خلق کرد تا سیاحت و ما هم هیات حاکمه کوسی و در نسخه محمول بحران انقلابی در سیم سر ما سه داری واستند از لحاظ اقتصادی سیاسی مینماید. از وضعیت خوددها ی

پاسخ به نامه ها

در صفحه ۲

رقنا و هواداران!

در صفحه ۸

خلق و ضد خلق اسطراب سیاسی پیگار و... (۳)

در صفحه ۱۳

در پیک رزمندگان می خوانید:

- پوشش اسلامی، پرده های بروی مشکلات رژیم!
- رفیق تقی شهرام، پایداری در قبال دسیسه های حکومت!
- حمله به مجاهدین رسمی شد!
- بنکه، دژ پایداری زحمتکشان شهر مقاومت!
- اخبار شهر مقاومت • اخبار کارگری
- اعتصاب خونین کارگران قائم شهر
- ستاره درخشانی بر نازک جنبش کارگری ایران
- خطاب به مجاهدین!

• ۰۰۰۹

کارگران جهان متحد شوید!

سر مقاله

بقول آقای حبیبی سخنگوی شورای انقلاب تعمیرات جزئی در سیستم اداری خواهند داد آیا تغییر در کارکرد این سیستم باید خواهد آمد؟ آیا اخراج ها و تصفیه ها کفایت این نظام در ارتقا نهی رژیم گذشته صورت گرفت توانست ما هیئت ایمن ارگانها را از زکوة کند مطلقاً خیر آیا هیئت حاکمه که حفظ سیستم را بنا چنگ و دندان برعهده گرفته است میتواند بنیادها را اما می ایمن سیستم مبارزه کند مطلقاً خیر ما - نورهایی که در این رابطه میدهند تا کتیک تمام هیئت حاکمه است که با ترس و لرز از مبارزه، توهنها برای جلوگیری از مبارزه رو بسه کمتری از آن بر علیه خود سیستمی که با حسد از آن است در مقاطع مختلف ارائه کرده است.

با کتیک های بیسی است که برای تقویت توهم توده ها و تقویت موضعیت سخت متزلزل خویش بکار میگرد.

سیستم سرمایه داری وابسته حاکم در جامعه ما در زرفای بحران فرورفته است، بحرانی که از یک سو جنگال بقیدش زندگی رزمندگان ما را سخت در تنگنا قرار داده است و از سوی دیگر آرام اما با شتاب و بیلا انقطاع پرده زوری و مردم فریبی هیئت حاکمه را لایه لایه از هم میدرد و وجهه روانی و ضد مردمی ای که آن سوی نظرها و ادعاهای پسر ظمطراقی هیئت حاکمه نهفته است برای توده ها عیان مبارده واقفیت خشن زندگی رزمندگان، گرانی و کمبود کالاهای مصرفی اساسی توده ها در متن متجان و از آسوی در صد شرح بیگاری، تضیقات فرا بنده سیاسی و فرهنگی، جنایات ارگانهای مرکب هیئت حاکمه کمیندها، پاسداران و ارتش در سرزمینهای ما که هر روز در گوشه ای نمود پیدا میکند، تلختر از آنست که هاله تنفسی که هیئت حاکمه بر گرد سر خویش کشیده است بتواند برای مدتی طولانی حتی برای بخشی از رزمندگان تحمل پذیر نماید. خط فاصل میان هیئت حاکمه و خلق بویژه رزمندگان هر روز که از عمر کوتاه جمهوری اسلامی میگذرد عمقش و مستحکمتر میشود و رویا رویی توده ها با هیئت حاکمه گسترش بیشتری یافته و منحصراً مسنود هر کارخانه بیوعی محضه مساره کارگران شده است که در جبر

اسلامی سرمایه داران را زیر سده خویش با تردید با نفرت میترسند و برای زهابی از آن دست کیسری نموده اند. خلقهای تحت مستم میهن ما بویژه خلق قهرمان کردیسیا سیمانه ترین و کثیف ترین جنایات هیئت حاکمه دست بگریان بوده و هستند و تا کنون در مسیر سدا و م انقلاب برای تحقق ملی خود از ارتش از فرزندان دلاورم در ادر جنگ ددمنشانه هیئت حاکمه در کردستان از دست داده اند. مبارزات رزمندگان شهری در فسا و بار سنگین بحسوران سیستم به شکل مبارزه با کراسی طلب کارو... و بیهوشی است و سودت آوردهای دمکراتیک مبارزان خلق ما از دکه کوچک کتابفروشی تا میتینگ های سازمانهای سرفسی و انقلابی به انحاء مختلف مسسورد تهاجم هیئت حاکمه قرار داده هیئت حاکمه خود را بر و نشو و نه گسترش بحران بر سر تقسیم میراث ساختن قیام خونین توده ها هنوز که هنوز است و بعد از ۱۸ ماهه نتوانم ترسیدند و همچنان دست به گریبان بگردید

دوش رزمندگان سکینی میکنند بنیاد بر خصلت اجتماعی و سر نشاء تکسل گیری خود نیز میتوانیم مبنی برای تقویت نیروهای وابسته به رژیم شاه با ثوبیا توجه به اینکه یکی از زائده های عظیم انگلیسیست سرمایه داری وابسته است ما داریم که این سیستم عطل است به عنوان جز فروری آن میتواند وسیله ای باشد برای شکل گیری توطئه بر علیه خلق ایران چنانکه ارتش جمهوری اسلامی و روشن تر ارتش این سیستم واقفیت خود را در این زمینه در واقع طمس و دهمها جریان دیگر بنیادش گذاشت. و به همین اعتبار راست که نیروهای انقلابی و کمونیست از همان آغاز سقوط رژیم پهلوی تا کید سرانحلال ارتش و سیستم بور و کراسیک حاکم داشتند و اینرا بحسوران یکی از اجزاء اصلی تحقق یک انقلاب پرور میسند در شرایط حاضر برای توده ها طرح کرده و بر آن پا افتادند اما همیشه حاکمه بنا بر ماهیت طبقاتی خود از آنجا شیک پاسداری از سیستم سرمایه داری وابسته را بردوش گرفته است

● رزمندگان ما نمیتوانند در شرایط حاکمیت موجود سیاسی جامعه از هم جدا شویم. از مظار سرمایه داری وابسته از جمله فساد اداری و سیاسی یا بنده حاکمیت موجود خود بفرجیت کنند و سپس سرمایه داری و تا مین کشنده منافع عناصرین ماده رژیم سابق بوده است.

بودن با گزیر بور و کراسی و ارتش را حفظ نموده و سریملاً احیا نمود. و در تمام روندها کمیت خود چنانکه سیاست عمومی رژیم ما همان نشان داده است نیز اثرات آنها حفظ خواهد کرد بلکه با گسترش بحران آنرا تقویت نیز مینماید. توده ها بباد دارند که چگونه رهبران حکومتی سرعت پس از قیام با فرا مین و فتوای های خود سعی در احیاء کامل بوروکراسی و ارتش داشتند اما بوروکراسی موجود در کلیت خود توان جز فروری سیستم سرمایه داری وابسته و حاکمیت هیئت حاکمه موجود بسه پاسداران همچنان دیگر اجزاء این سیستم چون بار سنگینی بر دوش توده ها سنگینی نموده و زندگی بحران زده شان را طاقت فرما تر میسازد و بویا رتد تلاطم میسازد. انی توده ها در متن این بحسوران ضرورت دیگر توتی و انهدام ای جز بهمه کل سیستم و خود بخود مبارزه علیه هیئت حاکمه هر روز و بیشتر بر ایشان مطرح میشود چنانکه امروز در جرات بالایی چنین شده است.

اما ما نور جدید هیئت حاکمه موج جدید تبلیغی که بیرون معمول میتوان توده ها و برای با صلاح منافع توده ها بر آه انداخته است تصفیه های خاصی که در ادارات و وزارت خانه ها آغاز نموده است میتواند درخواست توده ها را تحقق بخشد و اما چنین مدعی میتواند داشته باشد؟ پاسخ به این پرسش را هم در عملکرد هیئت حاکمه طی عمر کوتاه آن وهم در تسوع تصفیه های آن باید جستجو کرد. با به متزلزل هیئت حاکمه موجود بای دوران حاکمیت بی شک قدرت توهم توده ها بوده است و این قدرت توهم در زمینه فرهنگ توده ها بوسیله ما تورهایی که هراز چند گاه یکبار جهت تهییج و فریب توده ها و انحراف مبارزات آنان که جهت اصلی آن انهدام سیستم سرمایه داری وابسته حاکم و بنیاد گزیر و رویا با هیئت حاکمه است تا مین میشده است با بیسای ریزش توهم توده ها که واقفیت بحران حاکم و رویه رشد و عملگره ضد انقلابی و ضد مردمی هیئت حاکمه و مبارزات سیاسی و تبلیغی است آگاهی دهنده نیروهای انقلابی و کمونیست در بطن زندگی مشخص توده ها موجب آن شده است و اخیراً در ما زجمع و آهیمها بیسی هرا در بیخوبی انعکاس یافته است. هیئت حاکمه در ماندگی ویی ما یکی خود را هر چه بیشتر سردار دارا چنین سیستم پیچیده بحرانی دریا فته و گریزشنا بنده توده ها را از خود هر چه بیشتر احساس کرده است از این روی برای کند کردن با توقف این روند ما نند هر حکومت ضد انقلابی دیگر از یک سو با شدیدترین شکل ممکن توده ها و نیروهای انقلابی را چنانکه واقفیت کردستان و دانشگاه ها نشان داده و صدها جریان کوچک و بزرگ هر روز در گوشه و کنار میهن ما نشان میدهد مورد تهاجم قرار میدهد و از سوی دیگر در متن اعتقادات مادقا نه مذهبی توده ها برای به انحراف کشاندن جهت اصلی مبارزه آنها مبارزه با پدیده های بی نظمی و روینایی ما ننسند بی حجابی "یا فسادا داره" را فر بیگانه مطرح میکنند تا در پوشش آن در درجه نخست نیروهای مخالف و مبارز انقلابی را از ادای سره آنها های حاکمیت خود دور سازد و از طرف دیگر در جنایات مستقیماً وابسته به شاه و بیختر را در ارتش

سرمقاله

طبیعتی جو سعی در حفظ این سیستم دارد انقلاب اداری آن حیرت فرانس از انواع دیگر انقلابات آن از جمله انقلاب فرهنگی آن نخواهد بود و هر چه جدیدی است که هیئت حاکمه برای لایو ناسی ۱۸ ماهه خیانت به انقلاب نموده ها بویژه جناح خرد بیزواری سنتی مره آن علم کرده است تا علت تمامی نارسا نیاها و کاسی ها بی که بوده ها با آن دست بگریبا - تند به دستگاه اداری منسفل نمود و در آنجا هم عناصر معیسی را که بی شک عناصر مادی و انقلابی و کمسو - نیست نیست مهمی آن را تا مسفل خواهند نمود مسئول فلما دموده و بر - ای چند صیاحی فشار نموده ها را از کر - ده - خویش گاهش دهد .

هیئت حاکمه مادی که به با - نداری ارسیمتم بر مایه داری و ا - بسته درازا - فجمع ترین جنایات سر کرم است آماج اصلی مبارزه طبقا - تی زحمتکشان است ، زحمتکشان مسا - نمیتوانند در شرایط حاکمیت موجود سیاسی جامعه از هیچکدام از مظاهر سرمایه داری و استه از جمله فساد اداری ها بی یا بسلا حاکمیت موجود خود نفوس گسوده و بیس بر نده - این فساد اداری و تا مین کشنده مان - فح عناصری مانند رژیم سابق بوده است . مبارزه با سیستم اداری برای اوهیچگاه نمیتواند آن مفهومی را داشته باشد که برای نوده ها دارد ، آنان از این طریق بخشهایی از گاه - زمدان اداری را در محکمه تقنینی عقاب خود بخاطر ظرو های که از مبارزه اوج کبریده نموده ها را در دستفیسده خواهند کرد ، بخشی از نوده ها نوهیم رده را که هیئت حاکمه صا انقلابی مان - هرا نه از اعتقادات مذهبی آنان بهره میکیرد در مقابل بخش دیگر قرار خواهد داد تا دمی از مبارزه بیست رونده نوده ها که جهت اصلی آن خود هیئت حاکمه است فراغت یابند ، اما ماهیت ضد انقلابی هیئت حاکمه ، ریا کاری ها و فریب های هیئت حاکمه طی دوره حکومتان آنچنان برای نوده ها عیان شده است که ایس ما نور جزیه ضد خود جزیه نیروی جدید بر علیه خود دستگاه حکومتی تبدیل نخواهد شد و گام دیگری است که هیئت حاکمه برای افتاء خود برای ابتکار ساختن ماهیت ضد نوده - خود با ضروره بر میدارد ، بحسبان جاری جامعه و کربیز نوده ها از هیئت حاکمه عمیقتر و وسیع تر از آنست که ایس تا کمیگها بنیوانند موقعیت نهاد آلود و پرستش هیئت حاکمه را نفو - بت کنند *

ما و امر وحدت

دقیقاً تعیین شده ، و از نظر تشکیلاتی بپراکنندگی ، خرده کاری و محدودیت در حصار های تنگ معنایی و گروهی ، مشخص میشود ، دیگرگون سازد چرا که رشد عظیم جنبش نوده ها ، دوران نکو فایی و حیات را برای این فعالیت محدود و خرده کارانه بی پایان رسانده و تشدید و تسریع فعالیت مبارزاتی در این قالب های تنگ هم در برابر آن رشد عظیم و تحول کیفی جنبش نوده ای ، کار ساز نیست .

بدین طریق بنظر ما حل مسئله وحدت جنبش کمونیستی بر بنیاد مارکسیسم - لنینیسم و انطباق خلق آن بر شرایط ایران میباشد که بعنوان مسئله مبرم ، محوری و کرب - هی در دستور کار همه ، م . ل های ایر - ان قرار گیرد .

ما خود این ضرورت را با تمام شدت و قدرتی درک نموده و مصمم بودیم بنویسه ، خود می توان یک جزه کوچک از این جنبش و در جهت یسا - سخ گویی کمونیستی بدین ضرورت ، با مقدس ولایت غیر نیندا شن پوسته ، گروهی خود و محمول به وحدتی مار - کسیسی - لنینیستی بر بنیان تو - افق ایدئولوژیک - سیاسی گام برداریم . لذا با قاطعیت از تشبیت این موضع ، ما حتی به بهای گاشتن از فعالیت گروهی مستقل خود ، برخوردار های فشرده ای را با جدیدین شکل مارکسیست - لنینیستی که در پروسه حرکت گذشته ، وحدت عمومی ایدئولوژیک - سیاسی را با آنها بطور کلی دریافت نموده بودیم ، آغاز کردیم .

در این زمان کنفرانس وحدت که در حالتی بحرانی بر میسرود استمرار و موجودیت آن از سسوی عناصر متشکله اش زیر سؤال رفته بود ، تصمیم گرفت تا آخرین طرحها و نظرات گروهها را در زمینه ، وحدت در یک مجموعه منتشر کند ، کلیسه ، گروهها شرکت کننده طرح های خود را برای انتشار خارجی در اختیار کنفرانس نهادند ، ولی ابتدا تا خبر در چاپ و سپس پس گرفته شدن باره ای از طرحها از سوی گروههای ارائه دهنده ، آن مانع انتشار رایسین مجموعه گردید .

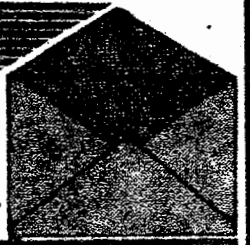
صرف نظر از مشکلات دوران گذار که مشخص و ویژه ، خود را داشت ، وجه مشترک بقیه طرح ها که در قالب "معیارهای مبارزه ایدئولوژیک"

با "مجمع جنبش کمونیستی" متشکل از "نمایندگان حزبها و گروههای مختلف صرف نظر از تعلق گروهی" و هر دو به منظور طرح ، بحث و حل مسائل و مضامین ایدئولوژیک - تنوع - ریک جنبش کمونیستی و سایر خورایی از نمایندگان ایدئولوژیک - سا - سی گروهها برای بر نامه رسانی همزمان و هماهنگ مبارزه ایدئولو - ژیک در سطح حسن ، ارائه شده بود ، تمرکز مستقیم و بلا واسطه بر افسان آنچنان سیستمی بود که سواست کلیه نیروهای جنبش م . ل را در پراکنده مبارزه ایدئولوژیک - متحرکی درگیر کرده ، و از این طریق برغم پراکنندگی شدید کمونیستی - غم موجودیت گروههای بنیادین که جداسی تشکیلاتی آنان بر ناس - هیچ مرز بندی ایدئولوژیک - سیاسی ای مینماید و بدون حل این تنگنه ، نهایتاً از میمیدار اساسی برای یک مبارزه ایدئولوژیک - جدی و منگی بر بر ، یک انقلابی - وحقی گاه (در برخی طرحها) - اس - تلاتن برای حفظ این وضعیت - اس - مبارزه ایدئولوژیک را برای وحدت جنبش کمونیستی مارمان دهد .

کنفرانس تحریر بنده ما بر تمام تلاتن خود را برای تحقق بخشیدن به وحدت مجموعه ، گروههایی که در فرایند ابتکار و توافق مسروری ایدئولوژیک - سیاسی با خود مصادق - نسیم ، تمرکز نمودیم ، و در خلال این تلاتن برای تسریع و تسهیل اصولی امر وحدت و برای تعیین و تکریم مواضع وحدت ، بلا غم تا رسیدن به راه در زمینه ، مسائل اساسی انقلاب (مرحله انقلاب) و مآج بنده سی ، هیات حاکمه و با کمیگ م . ل همه مبارزات خلق کرد ، همسفر طبعیسا در انقلاب ایران ، حسن کارگری ، جسس کمونیستی ، تحریفات سوز - وایی مارکسیسم - لنینیسم و سوزی و تدوین و تهیه نمودیم .

ما در تمامی بر جودها ، سک هدف بلا واسطه را دنبال میکردیم و آن ، تنطق بخشیدن به وحدت مجموعه متشکل هایی بود که نظر ما فقطست چپ جنبش کمونیستی را نمایندند قطبی که ما خود را بطور بلا قید منطبق به آن میدانستیم . اما آنجا که دامنه حاکمیت ما همونی بدینه و اراده ما با ناسان

پاسخ به نامه ها



انتظار ارکان سازمان به میزان قابل توجهی به نامه های هواداران و کلا خوانندگان "روزندگان" افزوده که بخش مهمی از این نامه ها متوجه ارکان میباشد. مطالعه نامه ها و توجه به انتقادات و نیز تشویقها بی که در آنها ذکر شده است عامل مهمی در کوششهاست. ت جهت بهبود کیفیت نشریه گردیده است. با توجه به تعداد نامه ها و امکانات محدودی که در دست در پاسخ تک به تک آنها در تصمیم گرفتیم تا حتی الامکان به نگاشتی که در میان نامه ها عمومیت دارد بپردازیم.

در این شماره به بررسی از نگاشتی که در میان نامه های که تا کنون رسیده است برخورد خواهیم کرده و از شماره آینده خواهیم کوشید تا بطور مشخص تر و سریعتر به نامه های رسیده پاسخگوی باشیم. از تمام خوانندگان "روزندگان" تقاضا میکنیم تا در صورت امکان برای ما نامه بنویسند و انتقادات و نظرات خود را با ما مستقیماً در میان بگذارند.

در نامه های خود اسم مستعار، تاریخ و شهر خود را قید کنید.

عده ای از رفقا نسبت به نشر مقاله "روزندگان شماره ۱۳" (امیریا لیم آمریکا...) انتقاد نموده و مسائل مختلف را تذکر شده اند. توجه به این رفا را به نکات زیر جلب میکنیم:

۱- ضرورت برخورد مشخص به مسئله تجاوز امیریا لیم آمریکا در واقع ضرورت برخوردیه مهمتر بین مسئله سیاسی مطرح شده در جامعه در آن شرایط زمانی خاص بود. و البته سرمقاله به چنین مسائلی میبایست بپردازد. آن شرایط و واقعیت پس ویی آورده های سیاسی آن، غیر از آنکه مسئله را بصورت یک مسئله روز و بسیار مهم در میان توده مردم مطرح ساختند. سرد جریانات مختلف سیاسی را نیز به مواضع و عکس العملهای متفاوتی نشانده بود. از جمله عکس العمل جریانات چپ نظیر فدائیان

که آن را بهانه ای برای سرورز استعداد پرورش یافته در میان خود جهت دست نشدن از مبارزه انقلابی طبقاتی میافتنند و نیز همگی العمل "راه کارگر" که ناگهان در کثورت و اریه طرح تنها دفاع از مین مشغول شد. قابل ذکر است.

۲- در آن مقاله امکان داشت قریب الوقوع، مستقیم و گسترده امیریا لیم آمریکا بنا به دلایلی که آورده شده است رد گردیده. برخوردی که در آن وضعیت بفریح تنها از سوی سازمان به راحت و اطمینان طرح شود و سیر تحولات صحت استرا اثبات نمود.

۳- در پاسخ به هیاهوی جریانات هیات ها که در مورد تجاوز آمریکا در قالب کودتا بر علیه این بی آن جناح، و نیز در پاسخ تئوریها بی که عملاً به رکود مبارزه انقلابی به ملاحظه فرمایید امیریا لیم آمریکا طرح میکردند. برخورد ما نسبت به است در حد یک کلی گویی در دستورات همات غیر علمی یا تحلیلیات حساب شده متوقف شود. تنها بررسی عمیقتر، پیش شرط ها و عوارض تجاوز احتسابی امیریا لیم آمریکا را در این نقطه نظرات را ممکن میساخت.

۴- با توجه به رشد بسیار زیاد طبقاتی در جامعه و رشد آگاهی و روحیه ضد امیریا لیمیتی توده ها و نیز تجربه، یکسال و اندی حکومت جمهوری اسلامی با مشخصه بلوک سیاسی بورژوازی لیبرال - خود بورژوازی مرفه نسبی در ایران، تلاش امیریا لیم آمریکا متوجه روی کار آمدن هر چه سریعتر یک حکومت قدرتمند بورژوازی است. در مقاله تمزیح شده است که چگونگی بر روی کار آمدن این حکومت از نظر آمریکا عمدتاً و هنوز کمک به حکم قدرت بورژوازی لیبرال در بلوک سیاسی است. امیریا لیم آمریکا برای حفظ و تائید منافع خود چهاره ای جز تلاش در راه تقویت بورژوازی لیبرال بر زبان آورده بورژوازی حاکم ندارد. (سرمقاله شماره ۱۳)

۵- سرمقاله به روشی مطرح نموده است که تحکیم قدرت بورژوازی

لیبرال در آن شرایط معین جامعه و موقعیت بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم از طریق کودتا هنوز امکان پذیر نبوده و لذا عملیات ایذایی و تهدیدات مختلف درونی هنوز عمدتاً در خدمت تغییرات نسبی قوانین بورژوازی در قدرت میباشد. است. و این همان سیاستی است که از طریق معاوضه نسبی اقتصادی و عملیات ایذایی نظامی و ماژورهای سیاسی درونی از سوی امیریا لیم و معاف و وابسته به آن دنبال شده است. سیاستی که با سیاست بورژوازی حاکم در برکزاری "کنفرانس کدایی افشای جنایات آمریکا" مذکورات با عنوان "بین الملل سوسیالیستی" (گرایمکی، به لفظ و فرکا)، و نیز به ماژورهای سیاسی درونی بورژوازی برای برقراری حاکمیت دولت و مثالهم وفق داده شده و میشود.

۶- در چندین مقاله که در شماره ۱۳ و بعد از آن آمده است چشم انداز سرشت مبارزه قدرت در درون بلوک سیاسی از طریق مسالمت آمیز رسیده و تمزیح شده است: "تجهیسا" فاطمیت میتوان گفت، اینست که بورژوازی لیبرال در برابر توسعه و پرآشوب کنونی و قدرت برتر خرده بورژوازی سنتی مرفه ناگزیر از دست زدن به قمار قدرت است. امیریا لیم نیز این امر را تحریک و تقویت مینماید. و در این صورت در کنار جنگ انقلاب و فساد انقلاب تا حد جنگ درون فدا انقلاب خواهیم بود. (همانجا)

جنگی در درون فدا انقلاب که در یک ماه اخیر شاهدیم پیش قدمت سیاسی آن در قالب برخورد های ضد بطرفین به یکدیگر بوده ایم. اما با بد توجه داشت که این همه فقط احتیاتی بوده و هست که از بررسی آن نمیتوان چشم پوشید.

۷- تا کنیک کمونیستها در این میان تکیه بر مبارزه انقلابی توده ها است. کمونیستها پیش و پیش از هر چیزی با درجهت ایجاب حفظ واحد و متشکل خود نمیتوان تعارضات طبقاتی را چه بیوزر وحدت وجهه شکل ایجاد و اختلاف جامعه عمل بوشانند. در چنین حال برای تقویت بلوک انقلابی بر علیه امیریا لیم و پاسداری از نظام سرمایه داری وابسته به نسبی، تنها باید که با دگرگشتی انقلابی، چپه مشترک انقلابی بر علیه امیریا لیم و نظام سرمایه داری وابسته تشکیل دهند. (همانجا)

۸- در شرایطی که جنگ درون فدا انقلاب حاکم از شکل مسالمت آمیز سیاسی در آمده و به صف آرایسی آشکاره و جامعه مرفه مقابل هم متجسر شود: کمونیستها و انقلابیون باید بتوانند از فدا خرده بورژوازی حاکم با امیریا لیم و نظام سرمایه داری وابسته استفاده نموده و حتی در صورت مقتضی و در جهت نابودی نظام سرمایه داری وابسته و وابسته بورژوازی حاکم را که سر فدا انقلابی بر پیشانی خود دارد به اختلافات خود رکنانند. "همانجا"

۹- امکان تحقق این تا کنیک یعنی تبدیل جنگ میان فدا انقلاب به مبارزه برای کسب قدرت سبک سی توسط پروولتاریا و متحدین آن با استفاده از فدا درون اردوی ضد انقلاب، مستلزم نیرو مند و استحکام صف متشکل چپ و چپه انقلاب میباشد.

نقطه نظراتی که در سرمقاله شماره ۱۳ آمده بیگانگی تا کنیک محیی است که در برخوردیه و اصیت مبارزه طبقاتی و تحولات سیاسی جامعه میبایست مورد نظر جنبش کمونیستی و کلا انقلابی باشد. باید بفاطرت: "ببورژوازی برداشتن نیرو مند ترا از خود فقط در صورتی ممکنست که به سمت درجه نیرو و یکار برده شود و از هر شکافی در مین دشمنان هر قدر هم که کوچک باشد و از هر گونه تضاد دفاع بین بورژوازی کشورهای مختلف و بین گروهها و انواع مختلف بورژوازی در داخل هر یک از کشورها و نیز از هر مکانسی هر قدر هم که کوچک باشد بسرا ی بدست آوردن متفق توده ای، حتی متفق موقت، مرده بنا به پایدار غیر قابل اعتماد و مشروط حتماً و با نهک بیت دقت و مواظبت و احتیاط ما هرا تا انتقاد نمود.

۱۰- این مطلب بطوریکه نسبی هم چونان قتل از تصرف قدرت سیاسی توسط پروولتاریا مربوط است و هم به دوران بعد از آن.

(انتین منتخب آثار، یکصد سی ۱۹۸۲) هرگاه ما بخواهیم از صورت کلی گویی و تکرار یک وظیفه کلی و متر- انزیک - سرنگونی نظام سرمایه داری و وابسته در آئیم و تا کنیکها مشخص مرحله ای خویش را روشن کنیم، تنها باید که با وضع سیاسی اجتماع حاضر و دور نمای آنرا در تقریر بگیریم. تنها با چنین شیوه ای است که میتوان با تا کنیکهای روبرو بشود در صفحه ۸.

بقیه از صفحه ۱
 مبارزه خلق کرد، مبارزه برای حقوقی است که این سیستم تنها با ایصال کردن آنها میتوانند حیات خود را ادامه دهد. مبارزه خلق کرد برای حقوق خود به حیات حاکمه و کلا سیستم موجود ضربات شدیدی میزند. طبیعی است که جنبش انقلابی خلق کرد از این لحاظ اساساً همسو و منطبق بر جنبش عمومی کارگران و توده های زحمتکش شهروده می باشد. به این دلیل جنگ در کردستان ادامه جنبش انقلابی و جزئی تفکیک ناپذیر است. جنبش انقلابی در کل ایران است و در ستمهای در کوردستان در کوردستان محصول تلاش عمومی حیات حاکمه در ایجاد آرایش سیاسی و سرکوب جنبش انقلابی بطور کلی و بازگرداندن نظم مطلوب به سیستم سرما به آری و استبداد میراثی می باشد.

این جنگ برخلاف ادعای همه دشمنان فریبکار و کارگزاران و زحمتکشان ایران، از قبیل حزب نوید و برخلاف ادعای عمومی همه اپورتونیستها جنگ برای درکشی نیست این جنگی است که توده های مختلف اختلافات درجه دریا درجه، یعنی اختلافات جزئی و بیرونی با ماده نطفه و رشد آن بلکه اساساً مبتنی بر تضاد منافع خلق کرده حیات حاکمه است. در این جنگ نه "سراوران" بلکه "ارشد" با ساداران و جانشینان برهبری حیات حاکمه و "خلق کرد" برهبری زمانهای سیاسی خود، با یکدیگر می جنگند. ارتش و پاسداران آن در مفهوم طبقاتی نمیتوانند سواداران کارگران و زحمتکشان شهر و ده در کردستان باشند.

این جنگ به خلق کرد نه منطبق شده است. جنگی که حیات حاکمه برای استقرار حاکمیت خویش بر علیه خلق آنرا برافروخت و تا امروز نیز استمرار دنبال میکند. جنگی که در آن، نیروهای معین طبقاتی بر علیه هم صف آرای شده اند. بنا بر این بنا توجه به آنچه که گفتیم جنگ در کردستان جنبه طبقاتی دارد. و هیات حاکمه در این جنگ در واقع منافع بورژوازی خود را تعقیب میکنند. صلح نیز نمیتواند بارغ از این معنی باشد. صلح نیز جنبه طبقاتی دارد و بنا بر این طرفین این جنگ را نباید دارد. برای هر کدام صلح به یک معنی مشخص مفهوم دارد.

دولت جمهوری اسلامی از اولین روزهای پس از قیام ۵۷، با هیولای سوار شده، کارگران و زحمتکشان سراسر ایران را روبرو کرد. این هیولادر کارخانه ها، در روستاها در کردستان

و ترکمن خرا و غیره... بیدار شده بود و تدریجاً به قدرت حقیقی خود پیوسته میبرد. دولت از همان بدو امر به مبارزه دولت طبقات حاکم، اقدام به سرکوب و کشتار در هر جا که آتری از - دامه جنبش انقلابی بیدار شود، زد و کوردستان از این لحاظ در دوره اول واقع گردید.

سه دوره جنگ در کردستان (دوره اول در نوروز ۵۷ - دوره دوم در تیرستان ۵۷ - دوره سوم بهار ۵۸) بخوبی تا کنون حیات حاکمه را (به همراه هیاتان) برهنگان بیان ساخته است. هرگاه دولت از لحاظ نظامی و توانایی در کنترل موقت اوضاع از طریق ارتش، پاسداران و سایر مزدوران خود نتواند بوده، تن به مذاکرات فرمایشی (همچنانکه جنگ نیز فرمایشی است) میزند. هرگاه با لحکس بطور موقت از لحاظ نظامی برتری نسبی داشته است، هر نوع مذاکره یا لغت کرده است. آنها گمان میکنند گسسته میشوند پساً همیسن برتری موقت بر جنبش توده های قایق آینه. و در محدودگی و وضعیت خود را تحکیم بخشند. تبلیغ وسیع برای منفرد و بدنام کردن انقلابیون کردند. عریضی با محتاج اولیه به قیمت آرزو و در عین حال حفظ معا صره اقتصاد کردستان... اینها روش حکومت در قبایل خلق کرد در شرایطی هستند که زنده ترین قوای ارتش و پاسداران بر شهرهای کردستان با سرتیروژ - ۳ نظارت میکنند و در هر روز شهرهای درگیر جنگ به خیال نهادهای انقلاب دهها نفر را می آفرینند. هیات حاکمه که تا کنون طعم شکست از خلق کرده اند، و بنا به ماهیت ضد خلقی اش چنانستگارانه ترین اقدامات را که تا کنون خلق کرد نموده دیده در حق زحمتکشان کردستان به مرحله عمل در آورد است.

هیات حاکمه میکوشد تا با ایجاد شکاف در میان نیروهای سیاسی کردستان بر آنها مستولی شود و جنبش را متوقف سازد در این کوشش به کمیته مرکزی (س.ج) و حزب دمکرات امید بسته است. بنا بر این در شرایط کنونی اتحاد نیروهای انقلابی کراه را برای گسترش مبارزه انقلابی ساختگنده و در عین حال سازکنکاران و خیانتکاران را رسوای خلق کرد و خلق ایران سازد اهمیت میبرد دارد. در چنین شرایطی است که انقلاب میدنا خه کردستان (س.ج) انتشار مییابد. و کار ۶۳ آنرا سبب میرساند ما میخواهیم ببینیم آنها برای

بیشتر (۲) انقلابی جنبش خلق کرد چه شیوه ای پیش گرفته و چه تحلیلی ارائه داده اند.

جنگ: بین برادرها یا بین انقلاب و ضد انقلاب؟

با این مقدمه وارد بحث بپردازیم. مون نظرات (س.ج) درباره جنگ کردستان و... شوشم، اخیراً تا غصه کردستان سازمان چریکهای فدائیی خلق اعلامیه ای منتشر کرده که در کلر شماره ۲۲ (ارگان اکثریت) کمیته مرکزی چاپ شده است. این اعلامیه البته تمام نمای موضوع جریان اپورتونیستی (س.ج) می باشد.

سازمان چریکهای فدائیی خلق برای آنکه زمینه را برای استدلالهای خود مبنی بر اعلام طبع عادلانه و... فراهم کند ابتدا به ماهیت جنبش و جنگ در کردستان اشاره میکند. آنها در تحلیل آنچه که در کردستان، میان خلق قهرمان کرد، و دولت جمهوری اسلامی در جریان است چنین اظهار نظر میکنند:

"مشاهده میکنیم جنگ برادران کثیری در کردستان عریضه بیشتر گسترش مییابد." کار ۶۳

"میکوشد در جنبش حق طلبانه خلق مارتیوخ کرده تا آتش جنگ برادر کثیری در منطقه را همچنان برافروخته نگاه دارد." کار ۶۳

بدین ترتیب (س.ج) حرف خود را در مورد کردستان میزند: **جنگ برادر کثیری!**

در کردستان جنگ میان هیات حاکمه و خلق کرده جریان دارد. هیات حاکمه ای که از منافع بورژوازی خود دفاع میکند و خلق کردی که راه انقلاب را در پیش گرفته و جنبش انقلابی ۵۷ - ۱۳۵۶ را تسهیل مییابد. این جنگ در ماهیت خود جنگ خلق کرد و حکومت مرکزی است یعنی هیات حاکمه جمهوری اسلامی. جنگ کردستان ادامه منطقی جنبش انقلابی ۷ - ۵۶ است زیرا خلقی یکطرفه در کردستان که خواسته های انقلابی خود را از طریق طرح کرده و در راه آنها مبارزه نموده است، قیام ۵۷ نه تنها به آنها جواب مثبت نهاد. که ضد انقلاب جدیدی را بر فراز سر آنها به کشتار و سرکوبش زود داشت. هیات حاکمه انقلاب را خفه کرده است خلق کردتلفس معینی آنرا در سرنا سر کردستان زنده نگاه داشت. خلق کرد انقلاب را دنبال کرد. و یکسروز از پای نشست. به همین جهت هیات

حاکمه جدید نیز بدون لحظه ای تردید ارتش و پاسداران و سرانجام همه ما و اکثرا جانشینان... را میسازند. کتا نه تنها از توسعه جنبش و مبارزه برای این زحمتکشان کردستان جلوگیری کند، فرماندهان ارتش و پاسداران مستقیماً از حکومت دستور میگیرند و پاسداران و سربازان تیر میزنند. های فرماندهان را اجرا میکنند. در قوه قهریه، در ارتش و پاسداران - هیبری است که اهمیت دارد در ترکم طبقاتی سربازان و پاسداران که اکثر آنرا میا زحمتکشان بر خاسته اند. بنا بر این مبارزه ای که در کردستان جریان دارد جنگ میان سواداران، نه جنگ برادر کثیری. جنگ با معیست طبقاتی دارد. جنگ بر اساس منافع طبقاتی که در آن محور دارد توضیح داده میشود. و جنگ کردستان نیز جنگ خلق کرد بر علیه هیات حاکمه بورژوازی، محافظان نظم سرمایه است. آیا سربازان و پاسداران، فرماندهان ارتش، قوسی ما، ملاحیها، جلادهای جاش و غیره، آنها برادران خلق کردند. آیا دهقان فقیر کرد و زحمتکش سندی که در زمین سربازانهای جمهوری اسلامی میبرد، سینه فرزندانش با سربازان سربازان و پاسداران مزدور و ندهان شکافینه میشود. با این سربازان و پاسداران برادری است؟ آیا خلق کرد و ارتش و پاسداران، خلق کرد و هیات حاکمه برادری است؟ آیا هیات حاکمه سوسله ارکانها بنیادین برادران خویشی خلق کرد؟ آیا آن رای خاک و خون، نشانه است؟ این کدام برادران هستند که در کردستان می جنگند؟ آقا سنان، شما حرفهایی را که از اول جنگ بنا حالا حزب توده میزند، طوفانی وار تکرار میکنید و بعد هم بروی خود دام با رنگت میگذارید: این کدام ما را میسیم است که سنی عدو و برادران فلاحی و قهرانی را برادر زحمتکشان کرد میبندد؟ جنگ طبقاتی جنگ میان دهقانان و زحمتکشان کرد و دولت راجک برادر کثیری بر آورد میکنند؟ کدام؟ ما را میسیم نه ما می آورد که جنگ را در رابطه ما منافع طبقاتی و نظامی طبقاتی توضیح دهم. نه با عبارات کلی برادر کثیری و جسرهای مشابه!

اما چرا اکثریت س.ج. با دقیقتر کمیته مرکزی اپورتونیست (س.ج) این جنگ را جنگ برادر کثیری مینامد؟ اجازه دهید به حسی بود "س.ج" رجوع کنیم. "س.ج" معتقد است که جنگ کردستان را دودسته میا

فل و عوامل موجود آورده اند. این محافل و عوامل مسل درون هیات حاکمه (زوج به کار ۹۹، کار ۳۳ و... بمانند) - عواملی در گردستان، خاصیت مشترک دوعا مسل اصلی جنگ، نیز از لحاظ سیستم "س.ج." عبارتست از "فصلنامه جنگ افروزی" "در هر دو عامل دقت کنید: ... جنگ برادر کشی در گردستان هر چه بیشتر گسترش مییابد، و عواملی از هر دو طرف تلاش میکنند هر گونه اقدام صلح طلبانه را بیجا شکست مواج سازد." کار ۶۲

"... عوامل و نیروهای جنگ افروزی در منطقه راه مردم گردستان و براساس میزان معرفی شده و آنها را ... کار ۶۳

سرانجام "س.ج." وقتی ماهیت جنگ را "برادر کشانه" یعنی قیام طبقاتی ارزیابی میکند، علت آنرا نیز با بدرد چیزی ما و ا طبقات و تضادهای عینی جامعه ببیند.

"س.ج." با وقاحت همه اپور تونیستها را نگ بر میدارد؛ این محافل هیات حاکمه و عوامل محلی گرد با عت جنگند چرا؟ زیرا جنگ افروزی؟ چرا؟ زیرا محافل و عوامل مل جنگ افروزی؟ "س.ج." دره ای و کلمه ای درباره ماهیت جناحهای اصلی جنگ بر زبان تمییراند. ما میدانیم که در واقع عمق بحران اقتصادی و سیاسی موجود هیات حاکمه را، که اساساً ماهیت بورژوازی دارد، به رود رویی با خلق کشانده است. بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم، هر یک به زبان خود بهر و غش میکنند و سرکوب را اعلام کرده، و برای حفظ عملکرد سیستم و نجات از بحران عمیق کنونی، باره را در ایجا د آرایش و سرکوب جنبش می بیند. آنها بنا به مسامحه خود به جنگ روی آورده اند و جنگ کنونی، جنگی که خلق کرد فقط و فقط جهت تامین خواست های خود و ادا عه انقلاب به آن وارد شده است، راه خلق کرده تبدیل کرده اند. صرف نظر از اینکه چه کسی اولین گلوله را شلیک کرده است، علت اصلی این جنگ، نه در جنگ افروزی (انهم از ناحیه عواملی در میان خلق کرده اند) بلکه سبب از هر چیز در تضاد منافع میان خلق ایران، کارگران و توده های رنجمندان ایران، و طبقه نخبه سیستم با سیستم کنونی و با هیات

حاکمه حافظ آن نهفته است. "جنگ افروزی" نه تنها مفهومی مارکسیستی نیست بلکه مفهومی دقیقاً ضد مارکسیستی است. ما باید نشان دهیم کدام طبقه، کدام سیاست، آنکه کدام خطت محفلها، "جنگ گردستان از خلق عه خلق کرده و لایحه و از ناحیه دولت غیر عا دلانه میباید این جنگی است که بخاطر بیا بمردی، شجاعت و توان انقلابی و زحمتکشان گردستان در ادهام جنبش بر آنان تحمیل شده است. هیات حاکمه "جنگ افروزیست بلکه بخاطر ایجا د آرایش، ایجا د شرایط مسا عد برای حفظ سیستم و غلبه بر جنبش به جنگ دست میزنند. جنگ افروزی حکومت (و نه محافل) نتیجه منافع آنها و تضادهایشان با خلق کرده مییابد.

ما به خوبی به یاد می آوریم که همه اپورتونیستها، با تنفیض از جنگ انقلابی با دمیکردند، ریشه های حقیقی آنرا پنهان میگرداند و میسازند. آنها میگفتند: محافلی از هیات حاکمه و محافلی از میان خود نشناخته ها (یعنی بلشویکها) خواهان جنگند. آنها جنگ افروزیست! آنها بوسیله جنگ برای ما میبایست میاورند. همین حرفها را مدتهاست حزب توده میزند. آنها نیز خواهان جلو گیری از جنگ هستند و جنگ را نتیجه گرایشات جنگ افروزان نمیدانند!

این نحوه تحلیل همانطور که در صفحات بعد نیز نشان خواهیم داد، نیکو بر مارکسیسم خط بطلان میکند! ما شوال می کنیم: پس چرا "س.ج." به این جنگ برادر کشانه در داد؟ عوامل جنگ افروزی در ایجا رسالتهای درست پس ایجا م چه کسانی بودند؟ چرا "س.ج." امروز بفرگشتای آنها میافتد؟ چرا "س.ج." مثل زبون ترو بین انترناسیونالیست های دوم! از توضیح ماهیت جنگ طنزه میروود؟ مگر خود شما نبودید که بخاطر حرکت خلق کرده بخاطر عینیت مبارزه و بخاطر شتم و فشار پیش از حدی که به خلق کوب از هر نظر وارد می آمد وارد این جنگ شدید؟ امروز، طبقه ای است بیساخته پیچیده شدن مبارزه های خود را عقب بکشید و ناگهان با عا راضی را که همین هفته قبل دوشن از اعشای "س.ج." را در سنج به شهادت رسانده برادر خود میخواند: "ای خلق کرد! شما در امتیاز بودید! اینسان جانسان این جلادان! این رشتیان

و این با عا ران! این خلقانی ها... و علی الخصوص این جا شهسای برادر شما هستند. آنه دولت و نه تنها با هم تضادی ندارند بپارهای عوامل لغتی ایجا را بیان هم انداخته اند! اگر این حرف را در گردستان در پیشگاه خلق کرده بر زبان برانید میدانید تا شما چه خواهد کرد؟

ایا با این وجود "س.ج." و علی الخصوص شاخه گردستان آنها را و رسم اپورتونیسم را بطوری فرا گرفته اند: آنها ناگهان همه زمینهای "ایجا د جنگ را، جنگ برادر کشانه را در چیز سیستمی ببیند میکنند.

"جای هیچگونه تنگی و تردیدی وجود ندارد که وجود این نیروها (یعنی عوامل بعث شاه و امیریا - لیسیم آمریکا) ... مانعی جدی در راه تحقق صلح بوده و تنها زحمت کشوم آنها در منطقه ایجا د جنگ برادر کشی است... همانجا کار ۳۳ ص ۱۲

"س.ج." که ابتدا ماهیت و بعد علت جنگ را در گردستان بطوری غیر مارکسیستی ارزیابی میکند حالا برای اثبات حرف خود دست به استدلال روی تحریکات عوامل شاخص بسمت عراق و امیریا لیسیم آمریکا میزند، و آنان را "ایجا دکننده" زمینهای جنگ برادر کشی مینامد. صرف نظر از اینکه پدیده اخیر را لیکسبر یعنی رشد عوامل ضد انقلابی مذکور متعلق به همین اواخر کار است و اساساً در ایجا د زمینه جنگ در گردستان نقش آنان قابل توجه نبوده، با زهم این مسئله میماند که چه چیزی باعث رشد این عوامل شده است: بجز هیات حاکمه؟ مگر کومه اعلام نگردیده بود، که حاضر است علیه تجا و ز عسراقی مقاومت کند و مگر همین کومه له سیاه روزگاری را خلق بلاج نگورده است؟ مگر خلق کرده نشود! آنها و مزدوران زما شاه را مورد شدیدترین حملات فیسوه قرار ندادند. عدم رشد آگاهی توده ها در بخشی نواحی و سوره برداری از اجناسات قبیلتهای توسط عوامل مزدور و ضد انقلاب سابق نمیتوانند به این حقیقت که چه کسانی آنها را بر و بال دادند و چه کسانی زمینه های جنگ را فراهم کردند و چگونه سرپوش بگذارند! انقلابیون و خلق کرده نشنا با حکومت ضد انقلابی کنونی که با ضد انقلاب سابق نیز با هم مبارزه میکنند و با ضد انقلابی تازه که در آن عوامل (که نه فقط در گردستان که

در همه نواحی ایران با آنکسانات سیاسی و اقتصادی و حقوقی (مثل قتل) که حکومت در اختیار آنها قرار داده بشود، توطئه کند. عبا پشت از وجهی توده ها و تقویت جنبش انقلابی

اما تا این حال یک مسئله است: میماند که آیا به آن شاخ داد جزا "س.ج." به چنین تحلیلی روی آورده است؟ و روح اصلی این تحلیل چیست؟

وقتی "س.ج." جنگ گردستان را برادر کشانه ارزیابی میکند، این معنی آنست که "جنگی درون خلقی" است. مبارزه ای در میان نیروهای انقلابی که به هر زبطن نیروهای انقلاب منجر خواهد شد. و به سبب انقلاب یعنی "امیریا لیسیم آمریکا" فرمت میدهد که در ایران "انقلاب" را نتیجه و محصول آنرا تضمین کند. زیرا جنگ میان دولت و خلق کرده است. و این هر دو از لحاظ تنوری "س.ج." نیروهای انقلابی و بجز خلقند. هیات حاکمه به طبقاتی که بر علیه آن مبارزه میکنند، خلق ایر - ان "س.ج." نوسان و تزلزل خود را در زمین ماهیت حکومت به عا لسی ترین شکل در ایجا به نمایش میکند. ارد، از این فرغوا بین نتیجه می آید: پس نه هیات حاکمه و نه خلق کرده نمیتوانند عامل اصلی علت پدیده این جنگ تبدیل شده به خلق کرده را توضیح دهند. این در حقیقت محافل و عواملی هستند از دو طرف و در طرفی که بویجا این جنگند و باعث درگیریهای درون خلق شده اند.

در واقع مبارزه خلق کرد، انحراف در جنبش انقلابی از نظر "س.ج." میباشد. چرا که مبارزه ای درون خلق است. سرکوب و کشتار حکومت هم انحرافی در مبارزه انقلابی حکومت است زیرا مبارزه ای درون خلق میباشد. آنها به ما جواب نمیدهند که بر انجام کدام مبارزه مارکسیستی و عینی وظیفه اردوا - قعیات جاری را توضیح دهد. آنها سعی میکنند ترس و تزلزل خود از مبارزه انقلابی را شور و زه نامیاد و سنام شوری مارکسیستی به خود جنبش بدهند. آنها بر مبارزه یکساله و نیم اخیر خلق کرده سها انحراف و مبارزه درون خلقی میزنند و از آنها میخواهند که درگ کنند مبارزه آنها بقیه در صفحه ۸

پیشی سیستمی ایجا د حزب طبقه کارگر!

بقیه از صفحه ۳
 پذیرفت و در فرا سوی آن - با سدهای
 مقاومتی مواجه بودیم که از دیدگاه
 های دیگر نسبت به مومنین است
 جنبش کمونیستی، فروریات و آزادی
 امانت آن، جایگاه وحدت و.....
 نشأت میگرفت.

در این شرایط، با پایان یک دوره
 تعیین کننده از مبارزه آیدتولوز-
 ژیک در درون "رزمندگان آزادی
 طبقه کارگر" و سرآوردن گسروه از
 نشیب این دوره که ما آنرا در چهره
 نمودن رویا بودن تشکیلاتی در زمانست
 نمودیم که با انتشار نخستین شماره
 های نشریه اش مواضع رادیکالیستی
 را در جنبش اول نمایانگی میکرد
 و با قاطعیت و جسارت به جلو گسنام
 بر میداشت. افق تازه ای را در پیش
 روی تلاش های ما برای وحدت گسترده
 در بافت اوله ما از مجموعه
 مواضع "رزمندگان آزادی طبقه"
 کارگر "از قربایت و توافق آیدتولوز-
 ژیک - سیاسی، حکایت میکرد، بسر
 این اساس با تلاش مستمر برای حل
 مسئله وحدت در میان مجموعه "نیروی
 های قطب رادیکال جریان ج. پ. پ."
 خورده ما با "رزمندگان آزادی طبقه"
 کارگر شروع شد.

با توجه به ایده ای که ما از این
 برخورد ها دنبال میکردیم، تشکیل
 عمل مناسب آن بوده که امروز وحدت
 از کانال برخورد مشترک و چند جا نشی
 همه، این نیروها دنبال شود و پس
 بدلائل مختلفه منجمله وجود اختلاف
 نظردر شکل عمل مناسب و نیز کمبود
 و بافتها زمینه شناخت قبلیستی
 میان عناصر متشکله این مجموعه
 برای در پیش گذاشتن چنین هدف
 مشترکی، این امر از آغاز ناممکن
 گشته و برخورد های ما هر چند هم جهت
 اما در دستهای جداگانه و هم عرض
 شروع و ادامه یافته بود.

برخورد ما "رزمندگان آزادی
 طبقه کارگر" بدلیل درک مشترک از
 ضرورت و جایگاه وحدت بدلیسیل
 اعتقاد به ضرورت وحدت فوری میان
 آن تشکل های مارکسیست - لنینیستی
 که هیچگونه مرز بندی های آیدتولوز-
 ژیک - سیاسی با عدم شناختی مسا
 واینها مات اساسی و اصولی، افتراق
 تشکیلاتی آنها را توجیه نمیکند و
 بدلیل قاطعیت مشترک در تحقیر
 بخشیدن به این مهم، سرعت به
 محور اصلی تلاش های ما بنده سیل
 شد.

این واقعیت نیز که "سازمان
 رزمندگان آزادی طبقه کارگر" این
 زمان اجزا قابل ملاحظه ای از یک

تشکیلات سراسری کمونیستی را در خود
 فراهم آورده بود، بنوعیه خود و بسو
 ان یک عامل ثانوی، انجام وحدت
 را در این رابطه از انجام وحدت در هر
 رابطه دیگری که گونهای مناسبه
 توافق آیدتولوزیک - سیاسی
 نیروی وجود میداشت، وزن ضرورت
 و فوریت بیشتری میبخشید، چرا که
 وحدت در این رابطه، تشکیل سریع تر
 نیروهای این قطب آیدتولوزیک
 سیاسی را به همراه میآورد، حال آنکه
 انجام وحدت در روابط دیگر گرانش
 به ایجا نقطه تشکیلاتی مشابهی
 را در دل این مجموعه نیروها دارن
 میزند که حل مسائل تشکیلاتی میان
 آن با "سازمان رزمندگان آزادی
 طبقه کارگر" خود زمان نماند چندان
 قابل چشم پوشی، محتاج میبود و
 طبیعتاً تا ضرورت و توفیق در امر تشکیل
 کل نیروهای این قطب آیدتولوز-
 یک - سیاسی و استمرار شدت در آن
 را بدنیال میآورد.

در راه تحقق بخشیدن به یک
 وحدت اصولی، ما آن موارد اساسی
 را که مرصه های مختلف فعالیت سیا-
 سی را در نظارت خود میگرفت و توا-
 لقی بر سر آن ضروری بود، مشخص
 کردیم و پس از روشن شدن توافق
 موجود در این زمینه ها و مشخص
 کردن این توافق در استنادی
 داخلی و نیز توافق بر حداقلی از
 ضوابط تشکیلاتی که بتواند در حیطه
 نظارت خویش، ایگان مبارزه آیدتولوز-
 لوزیک نام را تعیین کند، با آما-
 دگی حداکثر برای ترمش و انعطاف
 پذیری در دیگر موارد غیر اساسی،
 فرعی و ثانوی، امروزه و با سرعت
 بی گرفتیم و سرانجام با اعتقاد
 به ضرورت مبرم و فوری مبارزه جدی
 و فشرده برای وحدت کل جنبش کمو-
 نیستی، با اعتقاد به ضرورت فوری
 وحدت کلیه مارکسیست - لنینیستها
 بی که امروزه هیچگونه اختلافات
 اساسی و اصولی توجیه گرد جدایی
 تشکیلاتی آنان نیست و از آن جمله
 با اعتقاد به ضرورت فوری وحدت در
 میان نیروهای متشکله "قطب چپ
 جریان ج. پ. پ." تا تحقق وحدت کامل با
 "سازمان رزمندگان آزادی طبقه"
 کارگر "پیش رفتیم و از این پس
 مبارزه خود را بسوی این هدف بسر
 بسر تشکیلاتی جدید خویش، استمرار
 خواهیم بخشید.

با این وحدت را کامی بدیش
 در جهت وحدت کل جنبش کمونیستی
 دانسته و در آن شتاب بخشیدن به
 گام های بعدی زاموسی این هدف
 میجوئیم. ما در این فرجام وحدت،

آغاز تلاشی وسیع تر، فشرده تر و
 همه جا نشی تر برای وحدت جنبش
 کمونیستی دیده و برای پاسخ گویی
 به نیازهای امروز و فردا، ی
 انقلاب، فوره و پایه پیشرو این آغاز،
 ملزم و متعهد میبینیم.

و در اینجا بجا است این
 نکته را توفیح دهیم که طرحی که ما
 در مقاله "در راه وحدت آرا گس-
 داده بودیم نه فقط این حرکات ما
 را به سمت وحدت تعیین نمیکرد بلکه
 حاوی انحراف مشخصی از آن نیز
 بود. ما در آنجا امروزه در راه های
 همگرا از جنب توفیح داده بودیم
 که:
 "و با لایحه مسئله دیگری که باید
 در این وحدت دنبال کرد، این است
 که آن گروه های همگرای که هیچگونه
 نه اختلاف نظرات با عدم شناختی
 و ایها مات اصولی جدایی تشکیلاتی
 تی آنها را توفیح نمیدهد و از توافق
 لازم رزمینه های اصولی برخوردار-
 ندبا اختلاف آنها بعدی اندک است
 که چشم انداز حل آنها روشن و نزدیک
 میتواند باشد و با در یک تشکیلات
 بسادگی قابل جمع است، مسئله
 وحدت را بیکری کرده و بگوشته تا
 با حصول وحدتی هر چه سریعتر میان
 خود، به ظرفیت و نیروی کل جنبش
 م. ل. افزوده و به حرکت آن تشکیلات
 داده باشند، اینگونه وحدت نهایی
 قسمتی میتواند دقیقاً در خدمت
 وحدت عمومی کل جنبش م. ل. در خدمت
 مت تسریع روند فعلی آن بسوی
 وحدت باشد. روشی است که این جا -
 یگاه ما بیکریک امیرجانی و فرعی
 است حتی در کوتاه مدت و بطور تمام-
 کتیکتی حال آنکه باید جز این
 میباشد."

مقاله از وحدت یافتن کل جنبش
 کمونیستی حزب زره و بر ساز زمینه
 دادن مبارزه آیدتولوزیک در پیشان
 کل آنان برای حصول به این منظور
 متورک شده است و پس به این واقعیت
 که ما با وجود گروه های بیمنساری
 روپرو بودیم که مرز بندی سیاسی
 سیاسی - آیدتولوزیک موجود است
 مستقل همه آنها را توفیح نمیداد
 و هر چه چه از آنها بیکریک جریان را
 میماندند و با این پراکنگی نسبه
 قدرت مبارزه آیدتولوزیک برای
 تثبیت مواضع خود به شرکت فعال
 در مبارزات انقلابی توده ها را دا-
 رند، توجه نگرده است. در نتیجه بسر
 ضرورت وحدت یافتن نیروهای
 همگرا و ساختن و تقویت قطب آید-
 تولوزیک - تشکیلاتی خود بینوا ن

اتحاد مبارزه در راه آزادی
 طبقه کارگر ۶۹/۲/۱
 برای اشتباهات در مجرم مبارزه
 آیدتولوزیک
 بر فراز اتحادت جنبش
 کمونیستی * * *

گام فوری، ضروری و اساسی در راه
 وحدت کل جنبش کمونیستی، وحدت
 در راه انجام یک مبارزه آیدتولوز-
 ژیک همه جا نشی و خلاق و بر متن شرکت
 در پراشیک جنبش انقلابی توده ها
 تکیه نگرده است و برای آن برنامه -
 ای ارائه ننموده است. کاری که ما
 بعداً با برخورد با این نیروها و
 تهیه پلانفرم های مختلف صورت
 دادیم.

در نتیجه اگر مبارزه آیدتولوز-
 یک مورد نظر در متن این پراکندگی
 بتواند صورت وقوع هم بگیرد،
 تنها با بازداشتن عمده این نیروها
 از شرکت در پراشیک جنبش توده ای
 میسر خواهد بود که نتیجتاً مبارزه آید-
 تولوزیک را از محتوای
 کمونیستها را از مسائل انقلاب دو ر
 نگه میدارد.

در مقاله مزبور تمام تمرکز
 بر روی یافتن راه حل وسیعتری بر-
 ایحل مواضع آیدتولوزیک - سیاسی
 موجود در سطح کل جنبش و تحقق وحدت
 ت کل آن، بوده و در این راه امریکا -
 بهای ضروری و فوری که موضوع
 کنونی جنبش م. ل. میطلبد و ضرورت
 تدارک آیدتولوزیک - سیاسی و
 تشکیلاتی برای انجام یک مبارزه
 آیدتولوزیک جدی بین جریانهای
 م. ل. و نتیجتاً تا من وحدت آن
 میباشد، برده افتاده است.

تصحیح و پوزش:

در شماره بهر زنده ن - شم - ره
 ۱۱، تشنه و نظا هر کننده گان فرخداد
 ۱۱۱۱۱۱ چاپ شده بود که صحیح آن
 ۱۱۱۱۱۱۱۱ نگرایت.

در نوشته ای تحت عنوان "جرا
 راه کارگردانی میگوید" برانشر
 اشتباهاتی کلمه "حقا نیست"
 "غیانت" تایپ شده بود که بدین
 وسیله اصلاح میشود.

در مقاله اطلاعات ارضی (۱۱)
 رزمندگان شماره ۱۱، محسنه ۱۱
 ستون چهارم، بجای هدف، رقم ۱۱
 تایپ شده است که درست نیست.

شماره ۱۹۵

بهر خورنده است - تعدادی از نامه ها در مورد موضع نشریه در بیخوردن و نارسایی به دهقانان مسائلی را طرح کرده اند که پاسخ آنها در مقالات "ملاحظات ارضی و جمهوری اسلامی" داده شده است. رفیق بهرام نیز می نویسد پاسخ خود را با مطالعه این مقالات دریافت نماید.

● - آنها ماتی در مورد واژه "مناسبات سرمایه داری وابسته" که در شماره ۱۱ طرح شده بود بدست ما رسیده است (از جمله نام رفیق م- ر) (مناسبات سرمایه داری وابسته همان مناسبات سرمایه داری است اما شکل خاص وابستگی سرمایه داری ایران به سرمایه جهانی و متخماً طرح مناسبات سرمایه داری وابسته به معنای نفیبرکفستی در قانوشمندی عمومی سرمایه داری و مناسبات سرمایه داری نمیباشد با این وجود برای جلوگیری از ایجاد اشباه ما از یکبار بردن این واژه خودداری میکنیم.

● - در برخی از نامه ها ستوالاتی در مورد با به طبقه بندی سنی صدور رابطه آن با بورژوازی لیبرال و اینکه آیا سنی صدور محفل وابسته به آن جریانی یا جاسی را در حکومت تشکیل میدهد یا نه. اگر چه بنی صریح بورژوازی را سرمایه بندگی میکنند ما او را دوست داریم و سبزی کهایی دارند که از سرمایه بندگان بورژوازی حاکم متما بر زمینند ما این ویژگی ها را در یک مقاله جداگانه بررسی خواهیم کرد.

رفقا و هواداران!

اکنون مدتی است که ارتجاع حاکم به طور همه جانبه بپوش خود را بر علیه نهادهای دمکراتیک و سازمان های انقلابی سوزده کمونیستها آغاز نموده است. این پورش که هر روز کام های شتابان خود را برای استقرار "نظم و امنیت" در جهت تثبیت نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم میسر می کند. انسان دهنده هراس ارتجاع از رواج پاینده مبارزات طبقاتی رزمندگان را بکطرف ویسوده سوزده یکی روز افزون نیروهای (م. ل) با طعنه کارگر و سایر رزمندگان از طرف دیگر است.

در این مدت ارتجاع کوشش نمود با غیرقانونی کردن نشریات انقلابی، با لایحه و مهر کردن چاپ خانه ها، بستن زندانی نمودن کارگران و صاحبان چاپخانه ها، با تصویب ۳ ساعت ماه زندان برای نیرومندان و بخت کنندگان نشریات کمونیستی تا آنش زند، ویران نمودن دهکده های کتا سفرونی و با لاجرم با وجود آوردن سیاحت رعیب و وحشت از طریق کمیته جی ها و جمعا حاداران وابسته به خود در مناطق رزمکن نشین و تعطیل دانشگاه ها فروش و بخت نشریات کمونیستی از جمله نشریات سازمان و با منکسلات بسیاری و بپوشما زد.

بنابراین:

۱- در این شرایطی که چاپ نشریات و بخت آنها با منکسلات زیادی روز روزه است، رفقای سازمان موظف اند با امکانات تکثیر موجود در میان هواداران و همپا آنها، نشریه سازمان و سایر حداقلی مقالاتی از ترا تکثیر و بخت نموده و از اسبدهای از ترا در مناطق پرتجمع و محلات زحمتکن نشین بسجاسند.

۲- با تشکیل همه های بخت منکسل از هواداران و همپاها سازمان، فروش و بخت نشریه را در وسیعترین، سریعترین و منظم ترین فرم خود در محلات کارگری و در میان هواداران حسین کمو - سیتی سازماندهی نمایند.

۳- با توجه به تشدید مبارزه ضد بولوزیک در درون جسمس کمونیستی و نقش ویژه ارگان رزمندگان در خدمت بدن مسطور، لازم است که رفقا بطور منظم و بیگبار ارگان وابسته به ما و هواداران جریان های دیگر به هر وسیله ای که ممکن است برسانند.

۴- با توجه به فنر و بخت تدریجی توهم "گراگرا" و زحمتکنان از سیاست و برنامهای هیات حاکمه ضد انقلابی و تشنه مبارزه طبقاتی آنها، رفقا میبایستی نشریه سیک و زحمتکنان را تکثیر و اعلامیه های سازمان را در وسیعترین تیراژ در مناطق زحمتکن نشین بخت نمایند.

۵- رفقا میبایستی ضمن جسمس از چگونگی بخت براده ها و ابتکارات جدید در مورد بخت نشریه و اعلامیه را آزمایش نمایند. از جمله برقرار کردن دستفرونی های سیار و... را آزمایش نمایند.

شماره ۱۹۵
حول شمارا سنی سوده و ناگزیر بر اعراضی است. آنها اساسی ترین آموزش لنینی در مورد جنگ را در طبقه فحادی مگذارند که قیلا سا بر اصول مارکسیسم را در آن نهادند و نقلین میگرد.

● - جنگ های داخلی نیز منک است کسی که مبارزه طبقاتی را قبول دارد نسو است و منکهای داخلی را که در هر جامعه طبقاتی به معنی داد و ستد و مل و نشد نسو و در مبارزه منسوی اجناس با نشر مبارزه طبقاتی است. سوال نهاده شده است.

● - نسو، برنامه جنگی انقلابی برونساریایی - تا کما زمان است.

● - کما که این اصل اساسی را بکنار مسیود و جنگ را با عبارات عوام فرس ساده و کلی و مبهم توصیف میکنند، جد سبجهای جزگنا رنهان "مبارزه طبقات" و معنی آن شرایطی که سبج درگیری قهرامیز سجر شده است، میگرد. این تمایل که مبارزه طبقاتی را در بر عبارات "برادرگسی" جنگ افروزی و... بنیان نمایند، سبج هر چیز سوده بورژوازی است. زیرا این بورژوازی و خرده بورژوازی هر آنان میباید که ما هیات طبقاتی مبارزات جاری بوده ها را با خاطر

نابود باد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم!

بقیه از صفحه ۱۰

مهم نیرویی توسعه طلب، تجار و کاروانگر محسوب میشود، و مشخصه های غیره هیچکدام آنکارا بمقرون حقیقی امپریالیسم را متفکرس...

بنا بر این تفادخلق و امپریالیسم "بمقتوان معیار اصلی و محور مکتولژی مورد نظر از هر دو میوهیم و پوشاننده چهره واقعی طبقاتی هر...

این برداشت هر مفهوم انتزاعی است که بر ارضی از پاد واقعی خود جدا شود و میل به استقلال نماید، و از محتوا و محتوا واقعی خود...

بر این مبناست که تفادخلق و امپریالیسم بستنها بی در خدمت پوشتانند، در ایهام نگهداشتن و تحت الشعاع قرار دادن مبارزه طبقاتی...

اینکه سرما همز انقلاب پرولتری و سرنگونی امپریالیسم است، در این تفاد منگیس که نمیشود هیچ حتی پنهان و پوشیده میکرده، اینکه هر انقلاب حقیقی - انقلابی که همواره در جهت تکامل انقلابی...

اما در عوض "تفادخلق و امپریالیسم" بجای آنکه عامل رهبری پرولتاریا را در انقلاب دمکراتیک و پیشتر اول و محور بودن پرولتاریا

را در تفاد با امپریالیسم بر ضد و مبارزه با آزادی، آزاد طرف مهم و کلنی خلق پنهان و مستتر مینماید.

اینکه امپریالیسم، جریانی فرین سرما به داری و شکلی خاص از نظام سرما به داری است که وسیله پرولتاریا و متحدین آن سرنگون میشود، و در مبارزه با پروسه خلق و پهنم جفادخلق و امپریالیسم پنهان و کم میبشود، و در نتیجه با رومحتوای طبقاتی امپریالیسم تحت الشعاع درک کلی، میوه و غیر طبقاتی از آن فرار میگیرد، یعنی آنکه کار سردکلی و مهم و از امپریالیسم پنهان به نیرویی توسعه طلب، با ارتگرو تاجا و کارگه به اردوی خلق شیعور زده است، موجب میشود که با جهت طبقاتی تفاد با امپریالیسم پنهان نوعی تفاد با نظام سرما به داری جهانی گسه...

بهر حال جوهر طبقاتی تفادخلق و امپریالیسم که همان بمسابق پرولتاریا و پوده های دهقان و خرده پرولتاریا سرما به داری جهانی است، هرگز وسیله این تفاد توضیح داده نمیشود، یعنی پوشتانده و پنهان میشود، و آنچه از رهبرون جاه این تفاد استخراج میگردد، همان مبارزه ملی، استقلال طلبانه و آزادی بخش (۲) و در جهت رشد و احیای سرما به داری "ملی" و "مستقل" و در واقع رشد و احیای سرما به داری است.

بنا بر این، تفاد "خلق و امپریالیسم" بی تفهید و بدلیل آنکه نمجوانند چیزی فراتر از راه بره منافع پرولتاریا یا خرده پرولتاریا از متجلی و تریح کند و مقوم پرولتاریا باشد، و در حقیقت جوهریست خرده پرولتاریا میباید، نه پرولتاریا - البته با زیستهای - و ابزار مکتولژیک پرولتاریسم است، نه مارکسیسم - لنینیسم. این تفاد برای خرده پرولتاریا در مجموع جا بجا هم خوش، اما هم همیشگی در اردوی خلق فرام میباید، زیرا این تفاد را اینگونه تفاد مربوطه هنوز باقی است، بجز سرده پرولتاریا تا ابده صرف خلق و آرا بیتمه خدمت انقلابی و خلقی خواهد بود این تفاد همراستا جنبه سطحی و بیرونی روابط اجتماعی و اقتصادی را منجسک نشان میدهد و جهت واقعی مناسبات اقتصادی - اجتماعی و جوهر تولید حاکم و مبارزه طبقاتی اصلی جا معرا نشان نمیدهد، و بنا بر این در خدمت بر جسته کردن مبارزه طبقاتی فرعی (۲) ساخته انداختن بر روی تفاد طبقاتی اساسی چراغ امپریالیسم است، و البته تفاد را میباید، و پندار سبزه که در یک جا معر سرما به داری را بستند که طبقاتی اساسی آن پرولتاریا و پرولتاریا میباید، تفاد پرولتاریا چون اصلی مبارزه را در مبارزه، این طبقاتی، بلکه در پهنه دیگری میبندد، که همان مبارزه جموع خلق برای طرف طبقاتی امپریالیسم و بنا بر این استقلال و دمکراسی میباید، یعنی مبارزه ای که خرده پرولتاریا نیز در آنرا دنبال میکند، و هرگز تنها بر ضد آنها و منافع مستقل پرولتاریا را نیست، بلکه طبقات دیگر متعکس که در پهنه میباید، و آنها را بر افراستی میباید.

"ادا به دارد"

(۲) و (۲) - مبارزه ای که منجاست متوجه زمین بودن سطوح امپریالیسم و کسب استقلال در کشورهای سرما به داری و استنباط شد، و تفسیر مناسبات اجتماعی و طبقاتی را در کنار این هدف مهم، محور هدف اصلی خویش قرار ندهد، و نیز جنبه با رزیو لیستی نازد، و همان مبارزه پرولتاریا و از هر دو مبارزه طبقاتی فرعی یعنی مبارزه خرده پرولتاریا یا پرولتاریا و استنباط امپریالیسم میباید، لازم است توضیح است که چنین مبارزه ای بر علیه امپریالیسم و مرأ با مقوم استقلال طلبانه و آزادی بخش هر چه که تحت رهبری پرولتاریا میباید، با خدمت مترقی و تکامل دارد، بطرح اینکه چنین مبارزه ای از هر دو مبارزه طبقاتی فرعی است و اینکه پیشتر از این پرولتاریا در اردوی مبارزه با امپریالیسم، پنهان خواست تا ریزی پرولتاریا و کمونیستها تا همین نشده است، هرگز پنهانی نباشی خدمت مترقی آن نیست.

بقیه از مفهده ۱۱ خلق و ضد خلق

نظام بورژوازی با زبردستی و توانایی حیرت انگیز و البته خودبخودی روابط خود را در قالب مفاهیم و مقولاتی منعکس میکند که بهیچ وجه نتواند اساسی آن روابط را نشان دهد، و حتی نتواند آنها را در خود پنهان نماید و آنها را از چشم اغیار دور نگهدارد. مقولات ما مستند میسرود، مسود، قیمت مقولات مستند میسرود، از کار بردهای زیرکانه نشان پنهان کردن اساس متناقض و واقعی این مقولات است. مزد "حق طبیعی" کارگر! "سود" حق طبیعی سرمایه دار! را بنظر میرساند، و این واقعیت را که سود سهمی از حق کار است که سرمایه از چنگان میرباید، پوشیده و در ابهام نگاه میدارد. اما در مقابل "ارزش اضافی"، "ارزش نیروی کار" مقوله هایی هستند که بهوضوح نشان میدهند سرمایه و استثمار کارگر بوسیله سرمایه دار را منعکس میکنند. درحالیکه سود مزد آن تفاوت واقعیت را پوشیده و نهفته میدارند، و چنان وانمود میکنند که همان ارزش کار کارگر است و سود دستاورد حاصل طبیعی و بحق سرمایه دار میباشد.

حال با توجه به این توضیح آیا جفتواره "خلق و ضد خلق" که مفه بندی استراتژیک نیروهای اجتماعی را از نظر هیپاکرماتیک میکند، صریح و دقیق اند، یا اینکه مبهم و پوشاننده؟ "خلق و ضد خلق" چه چیزی را بازگو میکند؟ چه بیامات و توهاماتی را بر طرف و زایل میکند؟ و کدام تناقضات واقعی را متعکس مینماید؟ بنظر ما هیچ.

"خلق و ضد خلق" همانقدر روشن و صریح است که مفاهیم "حاکم و محکوم"، "سلط و تحت سلطه" و "ثروتمند و فقیر". همانطور که برای روشن ساختن حاکم و محکوم درجا معیاید تا تفاوت دیگری را شناخت، که وضعیت طبقاتی جامعه را توضیح میدهد، و حاکم و محکوم خود هیچ کمکی بهما نمیکند. بهمان ترتیب برای شناخت "خلق و ضد خلق" باید واقعیت و تضادهای شناخت که محتوای خلق و ضد خلق را برای ما توضیح دهد. تازه اگر آن واقعیت طبقاتی را که محتوای خلق و ضد خلق را با بسند تشکیل دهد، شناختیم، چه نیازی هست که صورت صریح و طبقاتی قضا را در پشت پرده "خلق و ضد خلق" پنهان کنیم! قلمی که هیچ معلوم نیست، اساس و محور تقسیم آن چه چیز است! و هر کس میخواهد با رغود را بر آن سوار کند.

● انقلاب، نوع و مرحله آن، علیرغم بستگی آن به وضعیت اقتصادی جامعه، بیش از هر چیز و مستقیماً تابع روند مبارزه طبقاتی، همیشه منطبق و همزمان با تحولات اقتصادی نمیباشد.

ممکن است بگویند که "خلق و ضد خلق" نیز بستهای همین وضعیت را دارد، و خود نمیتواند بخودی خود طبقاتی را که در طرف آن جمع میشوند منعکس نماید، و بلکه باید آنها را درجا معیاید بر مبنای دیگر شناخت، شکی نیست و البته که چنین است، اما باید توجه داشت که اولاً معیار تعیین حدود مفهوم "خلق و ضد خلق" در ادبیات م.ل. واضح و روشن است و ثانیاً این مفهوم کلی بهیچوجه اساس و محور تعیین استراتژی و مفه بندی استراتژیک نمیباشد.

بنابراین جفتواره "خلق و ضد خلق" تهی از آن غلطت اساسی مفهیم و مقولات و قالب های م.ل. بوده، و بهخصوص از آنجا که صورت بسک تضاد را بخود میکشید، و مفه بندی استراتژیک نیروهای درگیر در مبارزه طبقاتی را میخواهد منعکس نماید، و در این رابطه کمکی که نمیکند هیچ باری بر مشکلات ما نفزاید، و با زبانی که با یکدیگر مفه بندی و تضادهای طبقاتی میشود، و آنها را در خود مستتر میکند، جنبه ابهام آفرین و پوشاننده دارد.

اما سؤال مهم اینست که چرا در جنبش م.ل. ایران توسل به چنین

در صفحات جلوتر توضیح داده خواهد شد

و میان مشکل آفرینی وسیع و همه گیر شده است؟ چرا کار بردها پس جفت واره با وسعت حیرت انگیزی جا بگرس کار بست تمامها و مسیف بند بیهای طبقاتی گردیده است؟

بنظر ما گرایش نیرومند و وسیع در کار بردها جفت واره "خلق و ضد خلق" و عباراتی از این قبیل که "مف خلق را معنوم نمائیم" "مف ضد خلق را تصحیح کنیم" این سیاست خلقی است یا ضد خلقی؟ در جنبش بورژوازی ایران حکم یک عقب نشینی را برای مارکسیسم لنینیسم در برابر بورژوازیسم و اندیشه های بورژوازی دارد، اما چگونه؟

در ادبیات م.ل. سالهای اخیر کشور ما، بررسی وضعیت اقتصادی - سیاسی کشورهای تحت سلطه امپریالیسم و متخاصمان ایران بر اساس این متدولوژی صورت میگرفت، که تغییر و تحولات جوامع تحت سلطه را بنا بر دینا میکند. تفاوت خلق و امپریالیسم که هم نهاد عمده جهان و هم نهاد عمده کشورهای تحت سلطه خلقی میشد، ارزیابی و تبیین نمیشد. اگرچه تغییر و تحولات جوامع مزبور را تابع و تحت انشعاع سیستم جهانی سرمایه داری است، و عامل تعیین کننده تکامل این جوامع را نیز تضاد مربوط به این سیستم جهانی است. اما این متدولوژی تحولات انقلابی درونی هر یک از کشورهای تحت سلطه را عمدتاً و در درجه نخست بنا بر قوانین و تضادهای کلی جهان تبیین نمیشد، و بجای آنکه روندها و اوضاع این کشورها را پیش از همه، بواسطه وضعیت مشخص این کشورها و اوضاع اقتصادی - اجتماعی و مبارزه طبقاتی آنها توضیح دهد، آنها را از احکام، قانونمندیها و قوانین کلی و عام جهانی استنتاج مینماید. پیش از آنکه ابتدا بطور مشخص اوضاع اقتصادی و سیاسی این جوامع بررسی و سپس در بر ترقی و این احکام عام جهانی به قالب احکام و تئوریهای درآید، مفه متضاد حاضر، آماده و کلی "خلق و ضد خلق" امپریالیسم را در میان گذاشت تا اوضاع و روندها و نیروهای این جوامع را بنا بر قالب حاضر آماده "خلق و امپریالیسم" حسیست بزنند. بجای آنکه از تبیین وضعیت مشخص اقتصادی و سیاسی آنها تضادها و احکام و قانونمندیهای حاکم بر اوضاع مشخص آن کشورها استخراج شود، اوضاع مشخص اقتصادی - اجتماعی و صف آرای نیروها بنا بر طرف از قبل آماده خلق و امپریالیسم استخراج و ردیف میگشت. سلطه امپریالیسم بر این کشورها از اصول و بدیهات تحلیلی و تبیین روندها و تضادهای این کشورها از قانونمندیها و روندهای امپریالیسم نیز از مقدمات مسلم تحلیل و ارزیابی اوضاع این کشورها محسوب میشدند، اوضاع مشخص اقتصادی و سیاسی آنها هر چه میخواهد باشد، آنچه برای متدولوژی مزبور مهم و محل توجه بود، همان تبیین شوندهای اوضاع و روندهای اقتصادی و سیاسی داخلی از امپریالیسم بشمار معرفت. خلاصه آنکه این متدولوژی تحلیل مشخص از شرایط مشخص را تبدیل به تحلیل کلی و قیاس گونه از شرایط مشخص نموده بود، و بجای آنکه از تبیین واقعیت و مبارزه طبقاتی جاری کشورهای مورد نظر تحلیلها و قانونمندیها را استخراج کند، برعکس عمل مینمود.

این متدولوژی در محور خود تضاد خلق و امپریالیسم را داشت که در حکم "تخت پروگوست" بود. و نظام اوضاع و احوال مشخص کشورهای مختلف میبایست بنا بر آن اندازه گرفته میشد. و نتیجه کار را نیز به "تخصیص" مزبور تعیین مینمود. تضاد مزبور گذشته از آنکه هیچ ساخت اقتصادی و مبارزه طبقاتی خاص و معینی را نمایانگی نمیکند حتی نقش پویا نداشته مسائل اقتصادی مسلط و مبارزه طبقاتی اساسی هر جامعه مشخص را ندارد.

لازم به توضیح است که واژه امپریالیسم چنان کار برد گسترده ای یافته که نه تنها خرده بورژوازی که بورژوازی - لاقط بخشی از آن - نیز آنرا مورد حمله قرار میدهند. زیرا که این واژه در معنای کلی و بقیه در مفهده ۹

۱- نا گفته نماند که خرده بورژوازی و یا حتی بورژوازی در بعضی از مناطق جهان به مبارزه امپریالیسم دست میزنند یا میزدند است. این چنین مبارزه ای بر علیه امپریالیسم از جانب خرده بورژوازی و یا بورژوازی بعضی از جوامع بر علیه امپریالیسم با وجود آنکه تحت رهبری پرولتاریا ساستها از آنجا که در جهت تضعیف ارتجاع و ضد انقلاب عمده حاکم بر جهان عمل میکنند از خصلت مترقی و رویتگامل برخوردار است.

بقیه از صفحه ۱۲

خلق و ضد خلق

چگونه مناسب با بدو دوتوع صف بندی وجود داشته باشد، حال آنکه مبارزه طبقاتی وجود واحد و یکسانی است؟ اگر صف بندی "خلق و ضد خلق" در رابطه مستقیم با مبارزه طبقاتی است و نه ساخت اقتصادی - اجتماعی باید برسد که اصلاً چرا وجه مناسب صف بندی "خلق و ضد خلق" جنبه استراتژیک دارد؟ چرا "انقلاب و ضد انقلاب" جنبه تاکتیکی دارد؟ اگر چنین تمایزی با بدو در میان باشد چرا با نشان برعکس نباشد؟ یعنی آنکه "انقلاب و ضد انقلاب" جنبه استراتژیک داشته باشد و "خلق و ضد خلق" جنبه تاکتیکی پیدا نماید!

بگذاریم اگر استدلال مقاله را که آورده اند، نپذیرفته باشد، بسیاری سئوالات فوق پاسخ روشن خواهد داشت و آن اینکه "ساخت اقتصادی اجتماعی نسبتاً ثابت و پایداری است. در حالیکه مبارزه طبقاتی متغیرو مشخص میماند، و نیز اینکه "خلق و ضد خلق" تنها نگرشها را باید از نسبتاً ثابت جامعه میماند که همان تفاوت خلقی و امپریالیسم بشمار میرود. حال آنکه "انقلاب و ضد انقلاب" شکل مشخص و تفهیر با بندها این تفاوت در دو - مانیهای مختلف نشان میدهد.

اما مقصود! که "پیگاری" ناگزیر از پذیرش اینست که صف بندی استراتژیک و تاکتیکی هر دو وجهی "خلق و ضد خلق" و "انقلاب و ضد انقلاب" مستقیماً در رابطه با مبارزه طبقاتی جامعه، وضعیت و روند آن تعیین میگردد. و تنها آنچه میماند همان مسئله قبلی است که چرا و چگونه مناسب با بدو دوتوع مقوله برای وجود واحدی ردیف کرد؟ "پیکسار" حتماً خواهد گفت، خوب یکی جنبه استراتژیک قضیه را نشان میدهد، دیگری جنبه تاکتیکی آنرا منعکس میکند. آیا زوایایم برسد که چرا "خلق و ضد خلق" با بدو متوجه جنبه استراتژیک باشد. و انقلاب و ضد انقلاب متوجه جنبه تاکتیکی مبارزه؟ و چرا نباید برعکس باشد؟

البته تکی نیست که تاکتیک و استراتژی مبارزه، تمایز و تفاوتها بی دارند که بر شمرده ایم و برهم منطبق نیستند. توضیح بیشتری اینکه، تا - کنیک در رابطه با اوضاع مشخص و شرایط، مقطعی مبارزه است که در اینجا لزوماً به وضعیت مشخص و منقسم مبارزه طبقاتی جامعه متوجه میشود بر اساس این برخورد، یک نسبت - سر و کسبه موقتاً به صف ضد انقلاب پیوسته، ضد انقلاب تلقی میشود، و مرکب آن هدف ما قرار میگیرد. ولی آیا میتوان گفت که آن نیرو برای همیشه با بدو ضد انقلاب تلقی شود، و هدف ما بر کوب آن باشد؟ اینجاست که پای صحبت از استراتژی بمانیم. مبارزه استراتژی که سیاست و طرز عمل کلی مبارزه را در یک مرحله تعیین تاریخی تعیین میکند. در رابطه با مبارزه طبقاتی جامعه در مجموع و صف بندی تاریخی معین و مربوط است - هر چند این "مبارزه طبقاتی در مجموع خود مترازا و اوضاع اقتصادی بطور کلی است. حال با آگاهی بیشتری به اشکال مشخص یا کلی مبارزه، مسئله مورد نظر بر بیان باز تر و مشخص تر میشود. و آن اینکه چرا صورت مشخص و مقطعی مبارزه طبقاتی در صف بندی "انقلاب و ضد انقلاب" منعکس شود، و صورت کلی و مرحله بی مبارزه طبقاتی در صف بندی "خلق و ضد خلق"؟ چه لزومی دارد که صورت مشخص مبارزه طبقاتی و جنبه تاکتیکی آن، مقوله هایی متمایز از آنچه صورت کلی و مرحله بی مبارزه طبقاتی را توضیح میدهد، داشته باشد؟ و اصلاً چه نوع توهم و انحرافی را از پیش پای ما بر میدارد؟

واقعیت اینست که سئوالات مزبور پاسخ روشنی بدست نمی آورند. زیرا که اساس و علت توکل به چنین صف بندیها گنگناوت و تمایزی همان متمایز کردن "ساخت اقتصادی - اجتماعی" از "مبارزه طبقاتی" و بنا کردن استراتژی بر ساخت اقتصادی - اجتماعی میباشد. بخصوص که ادبیات م. ل. نه تنها هرگز نشان صف بندی و مقوله بندی متمایزی را برای استراتژی و تاکتیک عرضه ننموده، بلکه و با بخصوص که درست عکس این تقسیم بندیهای من در آورده ادبیات م. ل. مشاهده میکنیم.

اما سناریو آنکه به ادبیات م. ل. رجوع کنیم تا برخورد بزرگان م. ل. را در این رابطه جستجو کنیم، لازم است که بررسی خود در مورد

تعیین اساس و علت توکل به چنین صف بندیهای مبهم و بیگانه ای ادامه دهیم. آیا برستی علت توکل به چنان صف بندی همان مبارزه کردن "ساخت اقتصادی - اجتماعی" از "مبارزه طبقاتی" است؟ غیر از مسئله "خلق و ضد خلق" تنها این سادگی نیست که گفته خبر میدهد. اصطلاح "خلق و ضد خلق" عمیق تر و پیچیده تر از آنست که در این توضیح ساده منعکس است. این توضیح ظاهراً با نشان میدهد، و در واقع توجه و جزش ظاهراً استرلاب را نشان میکند، نه اساس و علت قضیه را. زیرا که با تمرکز توجه بر روی "ساخت اقتصادی - اجتماعی" از زاویه م. ل. مباحثی نمیتوان ارتباط منطقی بین "ساخت اقتصادی - اجتماعی" و "مبارزه طبقاتی" را روشن ساخته، و عا یکا مبارزه طبقاتی را در صورت "ساخت اقتصادی - اجتماعی" باز شناخت و در نتیجه اسرار استرلاب و تاکتیک مبارزه را بنا بر محور و اساس مناسب و اصولی آن که همگان مبارزه طبقاتی است، تعیین نمود.

ریشه "اصولی قضیه در اصل چیز دیگریست و آن نه در تمایز ساخت اقتصادی - اجتماعی" و "مبارزه طبقاتی" قبی نفسه که در نگرش است که چنین تمایزی را توجیهی برای دوتوع صف بندی قرار میدهد آن نگرش چیست که تمایز و اقسامی بین "ساخت اقتصادی - اجتماعی" و "مبارزه طبقاتی" را اساس تمایز غیر واقعی متناقض دوتوع صف بندی (استراتژیک و تاکتیکی) قرار میدهد؟

بنا بر ما این نگرش که ما با یاد رفتن و لوزی خطاب میکنیم، دقیقاً در پس ظاهر طبیعی "خلق و ضد خلق" نهفته است. و توانسته است برای خود پوششی فریبده فراهم نماید. که همان صف بندی "خلق و ضد خلق" میباشد.

در هیچ سطر از میلیونها سطر ادبیات م. ل. نمیتوان نشان داد این اختراع جدید و این چنین صف بندی مشاهده کرد. ما بکرات در ادبیات م. ل. با مفاهیم خلق، انقلاب، ضد انقلاب، ارتجاع و نیز بندهای مفهوم خلق روبرو میشویم. اما هرگز اثری از صف بندی "خلق و ضد خلق" و ترکیب جفت واره این دو مفهوم به چشم نمیخورد. و هرگز این

● خلق و ضد خلق، همانقدر روشن و صریح است که مفاهیم "حاکم و محکوم"، "سلط و تحت سلط"، "شروع و منتهی تغییر".

احکام من در آورده در مورد خلق و ضد خلق چیزی نیست. چرا؟ اساساً بزرگان م. ل. غفلتان به این ابداع نفس زدنی داد؟ آیا آنها غیر فکری بیدار کردن معیارهای دقیق و قالب های سهل و ساده فهم نموده اند. تا بدرقایی پیکار را ظاهر ردا رند که اصلاً مگر همه مفاهیم و قالبها نامند. بوسیله آنها عرضه میشد؟ و ممکن نیست که پاره ای از قالب ها و مفاهیم در زمانهای جدید وجود بیرون حسی در آینده فراهم آورده شوند؟ پیداست که نباید انتظار داشت که تمام مفاهیم و مقولات و قالبهای سابق الفعل بالفعل همانهایی باشند که بزرگان کلاسیک م. ل. ابداع کرده اند و طبیعی است که با گذشت زمان و با تکامل جامعه بشری و اوضاع مبارزه پرولتاریا مقولات، قوانین، تئوریهها و قالب های جدید و بدتر کشف و ابداع شوند. حال در این رابطه با دیدی که با حفت و از "خلق و ضد خلق" همین غفلت تو متکامل را دارد که در تبیین مفاهیم تعیین هدفها و روشها و توضیح قضا یا کمک بیشتری بنمایند؟ بنظر ما هرگز! زیرا که غفلت ابیسی مفاهیم مارکسیستی آنست که برخلاف مفاهیم خاص علم بورژوازی روشن، دقیق و ابتکار آمیز تبیین کننده محتوای خود میباشد. مفاهیم مارکسیستی خاص تبیین اوضاع و احوال جامعه و روندهای آن، از نظر تاریخی در مقابل ما مفاهیم بورژوازی سابق میدان گذاشتند، تا تناقض اساسی را که در پس مفاهیم بورژوازی تبیین جامعه پروریده و پنهان میماند آشکار نمایند. و برده ایام آفرین و پویاننده این مفاهیم را که محتوای واقعی خود را بوسه میداشت، از هم بدرند.

خلق و ضد خلق (قسمت سوم)

فترددی نیست که مرحله انقلاب در هر جا مع بسنگی به وضعیت اقتصاد می و نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر آن جامعه نیز دارد اما ساز آنجا که هر انقلابی بطور کلی بمعنای سرکونی طبقه حاکم و جایگزین شدن طبقات تحت سلطه میباشد، و از آنجا که طبقه حاکم بزرگ جامعه همیشه در همه حال همان طبقه حاکم اقتصاد نیست. و ممکن است که انقلاب متوجه سرکونی و نابودی طبقه ای باشد که از لحاظ اقتصادی بهمان نحو کمیت نداشته باشد، که در عرصه سیاست و اداره جامعه حاکم است. بنا بر این چنین نتیجه میشود که مرحله انقلاب به عوامل دیگری نیز غیر از عوامل اقتصادی بستگی دارد. چنانکه در آستانه انقلاب فوریه ۱۹۱۷ طبقه حاکم اقتصادی روسیه دیگر همان فنودا لها نبودند، و بلکه بورژوازی انحصاری بود. اما انقلاب متوجه سرکونی نظامات فئودالیسم و تزارسیم بود. هدف انقلاب در این مرحله چنانکه استالین نیز میگوید برانداختن تزارسیم و محرکات بقایای قرون وسطایی بود. در نتیجه انقلاب فوریه "قدرت حاکم قدیمی نزاری که فقط بماند پنده شتی ملاک فنودال بود و برسام مانس دولتی ارتش، پلیس و دستگاه اداری (فرمانروایی میگرد، درهم نکتسه و بر افتاده قدرت دولتی در روسیه بدست طبقه جدید، یعنی بورژوازی و ملاکین بورژوازی و انده افتاد (۳۵۸) لندن، منتخب آثار، میکلدی)

مانده میکنیم که تا زه در نتیجه انقلاب فوریه است که بورژوازی به طبقه حاکم تبدیل شود، حال آنکه از مدتها پیش سرمایه و مناسبات آن سرچا معروسه حاکم بوده است، بسیار دیگر پیش از انقلاب فوریه بورژوازی از نظر اقتصادی حاکم بود، اما از لحاظ سیاسی نه آیا وجود آنکه اقتصاد سلطه حاکم همان اقتصاد سرمایه داری بود، اما هدف انقلاب، برانداختن تزارسیم که "سایه شتی ملاک فنودال" بود - نه بورژوازی - بشمار میرفت.

بر اساس مثال تاریخی فوق میتوان تکبید گرفت که! هر انقلاب نوع و مرحله آن تنها به وضعیت اقتصادی بستگی نداشته، و از آنجا که هر انقلابی متوجه بچنگ آوردن قدرت از تک طبقه حاکم است پس، امر انقلاب، نوع و مرحله آن بیش از هر چیز بستگی به وضعیت طبقاتی جامعه دارد. و مستقیماً بوسیله اوضاع مبارزه طبقاتی جامعه تعیین میشود. اینک وضعیت مبارزه طبقاتی و قدرت سیاسی حاکم در اساس و در نهایت تابع اوضاع اقتصادی است. باقی آنچه گفتیم نمیباشد. انقلاب عمل مرفا کور و خود بخودی تا به سر نمیآید، انقلاب مبتنی بر پیوندها و عوامل عینی و ذهنی در جامعه است، انقلاب محصول گرد آمدن و جوش خوردن عنصر خود بخودی و عامل آگاهی در جامعه است. انقلاب بر مبنای کشاکش طبقات انقلابی و ضد انقلابی بر سر قدرت سیاسی صورت میگیرد. انقلاب تصرف قدرت سیاسی بوسیله طبقه یا طبقات انقلابی میباشد. طبقه یا طبقات انقلابی هر چند که از قوانین تکامل اجتماعی بدورویی بهره با شند، با زدن بر مبارزه بمنتظر سرکونی طبقه حاکم "فدا انقلابی" با آگاهی تاریخی خود عمل میکنند، که در هدایت بسیج و سازمان دهن نیروهای انقلابی بر علیه طبقه یا طبقات ضد انقلابی خود را بنمایش میگذارد (متجلی میشود) از اینروست که میگوئیم انقلاب بوسیله مبارزه طبقاتی تعیین میشود. نقش تعیین کننده عوامل اقتصادی نسبت به سایر عوامل در جامعه و از جمله نسبت به انقلاب از کمال تأثیر حتمی تعیین کننده بر مبارزه طبقاتی میگذرد، و مبارزه طبقاتی جامعه را در بر داشتن این تأثیرات و پیوند دادن آنها با عامل سیاست و آگاهی نوع و مرحله انقلاب را تعیین میکند.

مبارزه طبقاتی در معنای دقیق سیاسی آن که در عین حال بسیار تأثیرات اقتصادی را نیز بر خود حمل میکند، و از لحاظی میتوان گفت که پیوسته اقتصاد دو سیاست و زیر بنا و رویناست، کیفیتی است متناهی و

- نه مستقل - از اقتصاد، و همراه با ویژگیهای خود، بهمین دلیل نه - بنا میک مبارزه طبقاتی همان دینا میک وجه تولید و اقتصادها معیسه نمیشد. و در همین رابطه است که تا همزمانی و عدم انطباق انقلاب بمعنای دقیق آن - یعنی جابجایی طبقه یا طبقات حاکم و معکوس - با انقلاب اقتصادی یا تحول زیر بنایی جهره نمیشد.

علامه آنکه انقلاب، نوع و مرحله آن علیرغم بستگی آن به وضعیت اقتصادی جامعه، بیش از هر چیز مستقیماً تابع روند مبارزه طبقاتی و وضعیت آن میباشد. و از آنجا که تغییر و تحولات سیاسی - طبقاتی همیشه منطبق و همزمان با تحولات اقتصادی نمیشدند بنا بر این به مسئله طرح شده میتوان چنین پاسخ داد که بلیه، تغییر در مرحله انقلاب بدون تغییر اساسی در اوضاع و احوال اقتصادی نیز میسر است.

در نتیجه و بنا بر اینک استراتژی مبارزه و صف بندی استراتژیک نیروهای اجتماعی مبتنی بر "مرحله موجود انقلاب" است - در مفهومات پیش بدین حکم رسیدیم - این مکان وجود دارد که استراتژی مبارزه و صف بندی استراتژیک نیروهای اجتماعی تغییر یابد، بدون آنکه نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم دگرگون شده باشد و تماماً این امکان وجود دارد که صف "خلق و ضد خلق" که از نظر بیکار جنبه استراتژیک دارد، تغییر یابد، بدون آنکه ساخت اقتصادی - اجتماعی دگرگون شده باشد در اینجا بیکار متناهیها تنها قس روبرو میشود. و فرمول بندی اش به سخریه گرفته میشود. یعنی آنکه صف "خلق و ضد خلق" با عبارت دیگر صف بندی استراتژیک نیروهای درگیر در مبارزه تغییر مییابد، اما محور تعیین "خلق و ضد خلق" که این صف بندی "بلحاظ آن" - ساخت اقتصادی - اجتماعی - تعیین میشود، بدون تغییر اساسی می ماند.

حال "بیکار" تاگزیر است که با ارتباط درجه اول و متفهم بپسین "خلق و ضد خلق" و استراتژی راه را کند، با اینکه ارتباط طین ما بین "خلق و ضد خلق" و ساخت اقتصادی - اجتماعی "را بفراموشی بپسارد. در صورت اول بیکار صف بندی "خلق و ضد خلق" را نه در رابطه با تاکتیک - از قبیل چنین رابطه ای موجود نبود - و نه در رابطه با استراتژی مبارزه تعیین خواهد نمود. و در نتیجه یک صف بندی ابداع کرده و مبارزی آفریده، که نه در رابطه با تاکتیک مبارزه اجتماعی است و نه در رابطه با استراتژی آن، و تنها بدر آگاه دمیمن های فطری آنها هم علوم طبیعی - میخورد. با اگر انسان بدیم بدرد آگونی میتهای شام عبا میخورد که سفت در تلاش توجیه علمی دورنگه داشتن خود از هر مه سیاست میباشد، و دل به نگار مل عینی جامعه خوش کرده اند.

در صورت دوم، یعنی در صورتیکه "بیکار" ارتباط طین بین صف بندی "خلق و ضد خلق" با ساخت اقتصادی - اجتماعی "را بفراموشی بپسارد، آنچه میماند اینست که "بیکار" مدعای خود را در مورد مبارزه با صف "خلق و ضد خلق" بلحاظ ساخت اقتصادی. اجتماعی "تعیین میخورد، طنی و تصحیح بنماید.

با فرض اینکه "بیکار" چنین کرده است، تنها در مقابل خواهییم داشته صف بندی "خلق و ضد خلق" نوعی صف بندی استراتژیک میباشد و صف بندی "انقلاب و ضد انقلاب" نوعی صف بندی تاکتیکی. حال ممکن است که خواننده بگوید، که مطلب بازگشت به جای قبلی، یعنی آنکه ما کماکان با دو نوع صف بندی روبرو هستیم که یکی بین صف آرایسی استراتژیک نیروهاست و دیگری صف آرایسی تاکتیکی نیروهای درگیر در مبارزه را نشان میدهد. ولی نه، ما یک کام به پیش برداشتم، و اگر "بیکار" هم استدلال باشد در پذیرفته باشد، با اتفاق "بیکار" این مسئله را که صف بندی "خلق و ضد خلق" با عبارت صف بندی استراتژی یک بلحاظ "ساخت اقتصادی - اجتماعی" با عبارت دقیق تر بلحاظ "موقعیت عینی در ساخت اقتصادی - اجتماعی" تعیین میشود، بیکار گذاشته ایم، و هر دو صف بندی را هم از "خلق و ضد خلق" و "انقلاب و ضد انقلاب" در درجه اول بنا بر مبارزه طبقاتی وضعیت و روح آن تعیین میکنیم.

در اینجا مسئله ای که فراروی ما قرار میگیرد اینست که آیا پسرا و طبقه در معنی ۱۱

قطع کامل رسته های خونین امپریالیستی - فقط بوسیله کارگران و زحمتکشان امکان پذیر است!

بیک رزمندگان

گمونیستها هرگز به مردم
دروغ نمیگویند. گمونیستها
هرگز به ما جهان قدرت تکلیف
نمیکنند. گمونیستها فقط به
قدرت طبقه کارگر و مردم
اعتدال دارند و در حقیقت
انقلابی حقیقی هستند.
ولادیمیر ایلیچ لنین

اعتصاب خونین کارگران قائم شهر ستاره درخشانی برتارک جنبش کارگری ایران

غروب روز ۱۰ تیر ۵۴ و مبارز قائم شهر از یک طرف
خیابانهای باریک و کوتاه و پلیس وحشی و حیوان مفت
قائم شهر عرصه درگیری ها و آریا مهربی از سوی دیگر بود
زد و خورده های کارگران، دانش پلیس با با توم و اسلحه اش
آموزان، دانشجویان، کمونیست و کارگران و زحمتکشان
نیست ها و تمام مردم جانباز با پشت های گره کرده و آجر

وستک در مقابل هم قرار گرفته بودند، مردم مقاومت میکردند و پلیس بر نردت خونیت خود سوار بود، زد و خورد تا نیمه های شب ادامه داشت و شب ها رقیه در صفحه ۵

حمله به مجاهدین خلق "رسمی" شد!

پس از ماهها که در هر منبر
و مسجد و در اغلب بیرو نامه های
رادیو تلویزیونی، سازمان
مجاهدین خلق، بعنوان دشمن
خلق، همپخت آمریکا، منافق،
چاق داز و در یک عبارت،
ب عنوان ضد انقلاب معرفی شده
و توده های نا آگاه را بر علیه
آنان و سایر نیروهای کمونیست
و انقلابی بسیج میکردند،
بر انجام هفته پیش، این
مسأله جنبه رسمی یافته و بنا
کمان همه ارگانهای تبلیغاتی
رژیم اینبار به حمله های
مستقیم و بی پرده به سازمان
مجاهدین خلق ایران پرداختند
و بی شرمانه ترین دروغ پردازی
ها در باره این سازمان،
همچون موجی در سراسر کشور
گسترش یافته است.

در واقع رژیم جمهوری
اسلامی، از فردای بقدرت رسد
نش، و حشود از ادامه انقلاب
زحمتکشان، با آنتیپان و قناتی
به دروغ گویی های گاه ب گاه و
مشترک کننده دست زد، که جنبی
برای نزدیک ترین موافقان
سیاسی اش نیز با و رشکزدنی
بود.

اولین حمله های تبلیغاتی
تی حکومت را که عموماً متوجه
با مواج ملت به و پیش رونده

پوشش اسلامی بردهای بروی مشكلات رژیم خلق میخروشد رژیم قربانیان جدید می طلبد!

خطاب به مجاهدین آزادی را گدایی نکنید، آن را بازستانید!

بیش از یک هفته از صدور
جواری برای حمله سازمان
مان مجاهدین خلق میگذرد و
در این مدت دشمنان قسم خورده
نیروهای انقلابی، برای حمله
مستقیم به مجاهدین خلق و
منتسج کردن اوضاع بر علیه
آنان، جشن جفرا نه های برپا
کرده و در این راه از هیچ اقدام
امی فروگذار نمیکنند.

در این میان سازمان
مجاهدین خلق که تا کمان خود
را در محاصره بی رحمانه
نیروهای ارتجاعی و بخشی از
توده های نا آگاه میبیند، به
واکنش هایی دست زده است،
که از نظر ما جای بحث دارد.

مجاهدین خلق که به علت
نفوذ توده ای و نه به علت مزه
بنا کفار بر منافقین (بویج
و حشمت هیات حاگمه شده است، در
مقابل تمامی این حملات راه
سکوت و درخواست را در پیش
گرفت است سازمان مجاهدین
خلق از رژیم که او را جنبش
سند در صفحه ۹

- ### در صفحات دیگر میخوانید:
- از ترس مردم مبارز ایران حکومتها بره
اقتصادی کردستان را انکار میکنند!
 - بنکد، در بیداری زحمتکشان شهر مقاومت!
 - رفیق تقی شهرام، بیداری در قبال
 - دستهای حکومت
 - اخبار کردستان قهرمانان
 - اخبار کارگران
 - اگر هواداران زندانی سازمان جزیکها
بندستور بپشتی از زندان آزاد شدند، چه باید بکنند؟
 - اگر نشریه کار قانونی خود.....!
 - هر نشریه کم قانسیون!
 - خطاب به رفقا و هواداران

انقلاب و خصوصاً علیه کمونیستها و نیروهای چپ بود. هنوز خیلی ها با طردار نیستند. در حقیقت دروغها و تهمت های کوبکتابه، ساخته و بنا شده اند. با اگر رژیم، زینت بخشد تبلیغات خود میگرد، میتوان در زمرة آثار گلتیک با شگری سیاسی بحساب آورد!

سخنرانی رفسخانیسی، فقط یکسبب برای قیام خونین خلق و ادعای اینکه دینمان اسلام، مردم را فریب داده و وادار به خلق بدکاران شده کرده اند (ا) و با چند ما بعد ما جزای بشتن روزنامه آمدند. کان و اعلام این قضیه گسسه مدارک ارتباط آن با اسرائیل بدست آمده و "بزودی" منتشر خواهد شد (ا) (دروزمسره)

معروفترین مواردیسی تبلیغات بی شرمانه و در عین حال، با شیان بودند (ایلیسین حکومت شوروم که هنوز است، از این اسناد خیالی بساد میکند و خفالت هم نمیکند (ا) باقی اعلامیه های کمونیستها مثلاً در حیط متهمین و انبیه اسرائداری به شریعتمداری درقم، بیافتن قرص های ضد بارداری در ستاد مجاهدین خلق و این او از در سبک های شهر لبرمان سبندج و شرکت سست رنگ های فدایی بیرو قایم سرب که فدائیان اینهمه بر علیه این اعلامیه ما در کردند و نارجم همین هفته در مراسم سار جمعه تهران، سوسلیسه، رئیس دادگاه های انقلاب اسلامی سربز عنوان شد و بعدها دروغ و قیامه تدبیر در ساره کوبله و بکار رود بگران، از جمله همین تبلیغات کور دلانه و کسب حکومت است.

در این و انشعای مساره طبعانی، مجاهدین خلق سیر

حمله به . . .

از هجوم تبلیغات حکومت بی نصیب نماندند و اگر چه با اقتضای پماتات آنان با حکومت، این حملات قدری دیر تر آغاز شد، اما عمدتاً از مسامین و شیوه های همسانیبی برخوردار بود.

گردابندگان جمهوری اسلامی، از همان ابتدا همواره کوشیده اند تا مخالفین سیاسی خود را هم با هزینه های مذهبی و هم با جنگ ابزارهای سیاسی مورد هجوم قرار دهند. آنها که کمونیست ها را "عالمین بیگانه" مینامیدند و میازات آنان را برای علیه نظام طبعانی، ناشی از ما موریتشان (ا)

برای "شری" انجم داد سگردد، سرعت بر از آنکه مساره، طبعانی اوج گرفت، آنان را "کفار" نام نهادند و اینبار با ارتش اسلام به سوشستان تاخند!

حکومت در مورد مجاهدین نیز همین روش را بکار گرفت و اینک مدتهاست که میگوید با اسناد از کلماتی چون "منافقی" و "النفاتیسی" و غیره . . . دشمنی سیاسی خود را با آنان، حکومت مذهبی خود دهد. از جمله ما جمعه تهران که هر هفته برای توجیه اقدامات بدو جنگ تبلیغاتی بر علیه کمونیست ها و نیروهای انقلابی و قیام سیرین دورها را اندام عبادت، بخورد خلق الساسه میدهد. این هفته هم با اسناد دو از سار ساعدی که بدست آوردند، به مجاهدین خلق

حمله سرد و با اشاره به انسان اظهار داشت " . . . کسی که نظر به فدا قرآن و تبع الیلاغه و اسلام است، حق ندارد که با حمله اسلام گرای کنونی را . . . تضعیف کند و دروغ بگوید. " (ا) و به این ترتیب، به فقط ما هیئت فدا خلقی حکومت را در پشت جبهاتی همچون "جامعه اسلام گرای کنونی" پنهان میکند. بلکه مساره، مجاهدین خلق را نیز، همچون "کسی که نظر به فدا قرآن . . . است، مقابله با اسلام مینامد و تکلیف جاسب اینکد با بشر مانده تر است. دروغ ها، آنان را دروغگو خطاب میکند!

حزب جمهوری اسلامی، روزنامه های ریزودرشت عزیز الله و مدار سیمای حکومت، تصاویر سنی خود را بکار میبرند تا اختلاف میان خود و مجاهدین را، اختلاف اندک و لوزیسیک فلنداد کرده و خود را نماینده اسلام واقعی و آنها را نماینده اسلام التقاطی (ا) و انبیه دارند. اما حقیقت اینست که اختلاف میان حکومت و مجاهدین اساساً یک اختلاف طبعانی است که با بکارگیری تمسکام اختلاف مذهبی قلنداد میشود. در این میان، هر کدام از جناحهای هیات حاکمه، برای سرب کوب آنان شیوه ای مخصوص سربدارد. یعنی مدوولسیرالهما یا چشمک زدن به مجاهدین و کوسین در به سارز کنا سندن آسپا، سعی در خارج کردن

این سازمان از صفوف مبارزات خلق دارد و حزب جمهوری اسلامی و اعوان و انصارش، سا کنا ندرا اختلافات به حوزه استک ثولوژیک، سبتر جنین تمایل دارند که این اختلاف طبعانی را با دستاویز مذهب، بدستک جنگ طبعانی بدل کنند.

در هر حال، حمله به ما . . . عده این خلق، از نظر ما، بسک اقدام مذهبی بقدمتفسیر سوره، "منافقین" نیست و بقدم تقرب به الله نیز اینچشم نام نگرفته است. انشگر کتی به گردستان، حمله به داننگاه، بدستگیری فروشندگان ثمرات کمونیستی، اعدام انقلابیون ایجاد فضای خفقان و اربعات برای جلوگیری از انتشار اخبار و آگاهی مردم و متعاقب آن حمله به کارگران روز جمعتشان بقدم حکم کردن مجدد بجزیر. های اسارت سرمایه داری و انبیه بوده و همه و همه در مسره اقداماتی است که حکومت برای استقرار حاکمیت خویش انجام میدهد و حمله به سازمان مجاهدین خلق نیز، جلوه ای از همین زنجیر اقدامات در جهت تحقق همان اهداف فدا انقلابی است!

اما واکنش سازمان مجاهدین خلق هم، در قبال این وقایع، جای حرف بسیار دارد. آنها در حالی که ز سر شد بدترین حملات از جانب حکومت سیرا و گرفته اند، از همین حکومت تقاضای بی رحمیت شناختن فعالیت سیاسی خویش را دارند. آنها در حالیکه چاپ سیر، بیات و فعالیت علمی خود را مبرف کرده اند، چشم بسره مجزه قانون اساسی "مجلس خصمان" دوخته اند!

آسپا حکومتی کوی در جریان اوج گیری مبارزات بعبه در صفحه (ا)

حمله به مجاهدین خلق حمله ارتجاع به نیروهای انقلاب است!

اگر هواداران زندانی سازمان چریکها به دستور بهشتی از زندان آزاد شدند چه باید بکنند؟!

کمیته مرکزی سازمان چریکها با بهشتی به گفتگو نشسته اند، و از او تقاضا کرده اند که هواداران شان را آزاد کند. در شماره های قبلی روزنامه های کارنوشته شده بود: "بهشتی یکی از کسانی بوده که سیاست سرکوب نیروهای انقلابی، دعوت از سرمایه داران وابسته و ابقای قراردادهای اسارتی با امریالیستی را به پیش رانده" کار ۴۴ مقاله هواداران سازمان چریکها چنین تشریحاتی را که علیرغم مواضع سازشکارانه دست به افشاکاری هم میزده بخش کرده و تعدادی از آنها به این حرم

اکنون در زندان بسر میبرند. امروز رهبری سازمان چریکها پیش بهشتی قهقهه و آواز میخواندند که هواداران شان آزاد شوند. بهشتی در جواب میگوید: "ما با حرفهایت سازش جو را خراب کردید بهشتی سرمن دروغ گفته اید؟ اکنون باید حرفهایت را پس بگیریم" اعلام مواضع جدید میکنند تا بیخیم چه میشود؟ فرض کنیم رهبری سازمان چریکهای فدایی توبه نامه ها را نوشته و بیکسره به انقلاب پشت کرده و به بهشتی هم دستور داده که هواداران سازمان آزاد شوند آنوقت هواداران سازمان

اگر نشریه کار قانونی شود...

نشریه کار تا کنون علمی-عم مواضع راست و سازشکارانه اش از مبارزات کارگران گزافش تهیه میکرد، اخبار مبارزات زحمتکشان را برای خواننده گانش توضیح میداد، اخبار مبارزات خلق گرد و جنبایات با مداران و ارتش را به گوش مردم سراسر ایران میرساند. درباره مبارزات کارگران و زحمتکشان جهان مقاله مینویشت، جنایات فرما ندهان را افشاء میکرد. از برخی خیانتهای رژیم برده بر میداشت، سیاستهای فدکارگری جمهوری اسلامی را افشاء میکرد. اگر نشریه کار علنی و قانونی شود چه باید بنویسد؟ اگر در این شرایط نشریه کار علنی شود، نباید بر مبارزات کارگران علیه جمهوری اسلامی صحه بگذارد. نباید از مبارزات خلق

کرد و خلقی تر کمین تعریف کند و اخبار واقعی آنها را به گوش مردم برساند. نباید سیاستهای رژیم را افشاء کند. باید بر عملکردهای هیات حاکمه کویکجه بگذارد، البته میتواند انتقاد کند. باید میان طبقه کارگر و زحمتکشان و هیات حاکمه یا زش برقرار کرده و مبارزه را سه بعد مگوول کند. باید از خود در مورد مواضع گذشته انتقاد کند. باید اعتماد خود از بهشتی را به میان خلق کرد و سایر مردم ببرد. در این صورت آیا میتوان "نشریه قانونی کار" را مجسم کرد. مجسم کردن "نشریه قانونی کار" دشوار نیست؛ روزنامه مردم که در سر هر چهار راه سه را حتی بی فروش میرسد بنسخه فطی "نشریه قانونی کار" است.

هر نشریه، یک قانون!

ایط انقلاب بیروانه مطرح نیست و مطلب مطرح است "از سخنان قدوسی روزنامه انقلاب اسلامی دوشنبه ۹ تیر) آری درست است از نظر رژیم جمهوری اسلامی تنها "مطلب مطرح است" روزنامه های انقلابیون و کمونیستها ممنوع انتشارت و فروش آنها حرم محسوب میشود زیرا آنها بیش از همه حقایق را روشن میکنند، بیش از همه ماهیت فدا انقلابی رژیم جمهوری اسلامی را نشان میدهند و بیش از همه در جهت آگاه کردن مردم میگویند و روزنامه "منافق" آزاد است چرا که بیش از همه دروغ میگوید و بیش از همه در جهت فریب توده ها میکوشد. برستی که وقاحت و بیشرمی سردامداران رژیم جمهوری اسلامی جدو حصری ندارد.

تشریحات بدون بیروانسه انتشار غیر قانونی اند و فروشندگان آنها ۳ تا ۶ ماه زندانی میشوند، اما وقتی قرار شد این قانون دامن هر روزنامه های را بگیرد آن وقت مساله شکل دیگری به خود میگیرد. نشریه فدای آزادی که زیر بار سانسور رژیم جمهوری اسلامی نصیرت و روزنامه های دولتی نبود توقیف شد، با وجود آنکه بیروانه انتشار هم داشت. اما نشر غیر قانونی روزنامه منافق که دائماً علیه نیروهای انقلابی به انبواغ دروغها و فریبکاریها دست میزد و از این باب دست است جمهوری اسلامی و صبح آزادگان راهم از پشت بسته است ذره ای رژیم را ناراحت نمیکند زیرا از نظر دادستان انقلاب "در نشر"

ممنوعیت انتشار نشریات کمونیستی نشانه ترس حکومت است!

رفیق تقی شهرام، پایداری در قبال دسیسه‌های حکومت!

دادگاه‌های انقلاب صلاحیت محاکمه

زندانیان سیاسی را ندارند!

همان معیار طبقاتی که بر سر
 طلا ارزش میگذارد میسجد
 حکومتگرانی که در برنا مه‌ها
 بشان، قبل از قیام وعده داده
 بودند که جمهوری اسلامی زندان
 نباشد سیاسی نخواهد داشت، علاوه
 بر مردها نفر انقلابیون و کمو -
 نیستها که به بند کشیده اند، ما -
 هها ست رفیق شهرام را در زندان
 انهای آریا مهری گرفتار
 کرده اند.

در این مدت شهرام در بد
 ترین شرایط روحی و جسمی بسر
 برده است. ما هه از زندگی در
 سلولهای انفرادی وی خبری
 از اوضاع و احوال اجتماعی
 و خانوادگی، از عوارض عدل
 جمهوری اسلامی برای رفیق
 بوده است و در این مدت
 به هیچ عنوان به او اجازه
 ملاقات نمیدادند. در تمام
 این مدت عناصردور رژیم
 جمهوری اسلامی و عناصر او -
 کی که اکنون در خدمت رژیم
 جمهوری اسلامی به سر میبرند
 چون محمد رضا کربمی اورا تحت
 فشار و انواع شکنجه روحی و
 روانی گذارده اند.

رژیم برای بهره برداری
 تبلیغاتی از محاکمه رفیق
 اوهیج پستی و دانشی فرو
 گذاری نکرده است. از جمله
 اینکه، حدود دو ماه پیش است
 اله قدوسی دادستان کل
 انقلاب اسلامی به شیوه آریا -

رفیق تقی شهرام، مبارز
 انقلابی سالهای سیاه رژیم
 پهلوی اینک در همان زندان -
 نهای آریا مهری که در گذشته
 بزه بند کشیده شده بود، بسا
 زندانیان و شکنجه گرانی در
 هیئت اسلامی گرفتار آمده است
 و ما هه از جر، شکنجه، رفتار غیر
 انسانی، نداشتن اجازه
 دیدار با خانواده و آشنایان
 را، بغض طریقت و در راه آریا -
 نهای خلق تحمل میکنند.

ما هه است که نیروهای
 انقلابی و کمونیست، در سیاه
 شهرام، علل دستگیری او و اینکه
 جنماً با بد آزاد شود سخن
 میکنند. آنها فریاد میزنند:
 "رفیق شهرام را آزاد کنید!
 ساواکی ها و عمال رژیم شاه را
 که در اینجا و آنجا بکارگزاران
 حکومتی تبدیل شده اند به
 محاکمه بکشید!" و سرانجام،
 پس از ما هه تلاش و پیگیری
 نیروهای انقلابی، قدوسی،
 دادستان انقلاب، تاریخ
 محاکمه رفیق شهرام را اعلام
 کرده است! آنها در دست در زما -
 نی که حمله به مجاهدین خلق
 رسمی شده، و درست در جهت
 کوبیدن مجاهدین و نیروهای
 انقلابی، عدل اسلامی حکو -
 متگران جدید، با استراژی
 متفالی اندازه گیری میشود.
 ترازویی که عدالت را بسا


مهری در سلول انفرادی
 تقی شهرام را ملاقات کرد
 و از او میخواهد علیه نیروهای
 انقلابی بویژه مجاهدین خلق
 دست به تبلیغ و به اصطلاح افشا
 گری بزند. قدوسی در مقابل
 شهرام یک دوراهی قرار
 میدهد وی میگوید: "در این
 موقعیت ما را کمک کن و علیه
 مجاهدین خلق دست به تحلیل
 و افشاگری بزن، چون از زبان
 شما مردم بهتر باور میکنند،
 در این صورت ما تقاضای بیژانت
 تو را از امام خواهیم کرد و ر
 غیر این صورت اعدام نوحتمی
 است!"

همه کسانی که در سالهای
 سیاه رژیم پهلوی در زندانهای
 آریا مهری و از جمله هیئت
 زندان او سن در بند بودند،
 بوی آشنای این کلام آشنا
 نشان میرسد. در رژیم
 آریا مهری نیز با زندانیان
 از این معامله های بسیار
 میکردند. اما پاسخ انقلابیون
 همیشه نه بود، رفیق شهرام
 این بار نیز در مقابل این
 درخواست و تهدید نهاد انقلابی
 که بارها به اشکال گوناگون
 بخصوص در زمانهای فراندوم
 با انتخابات و نگاه بهمسترا -
 محنه های اعدام نمای بخشی
 هم مطرح گردیده است
 همچنان مقاومت میثما بپذیرد
 سرخ را بر خیانت به انقلاب

ترجیح میدهد.
 شهرام در سطوری درباره
 این ملاقات برای یکی از
 همزنجیرانش مینویسد: "ما
 آموختیم که با ساد به میریم
 و هرگز در اصول خود سارش نکنیم
 من هرگز در دفاع از انقلاب
 و آرمانهای انقلابی ام ذره ای
 تردید نشان نخواهم داد و هر
 آینه باندهای سیا و بر جمع
 فعال در دادستانی در توطئه
 خود که ریختن خون من جزئی از
 آن است موفق کردند، همچنان
 استوار با سری افراتنه و لسی
 خندان سرب مذاب را بید بسرا
 خواهیم شد. آری این رسم ماست
 که ایستاده بمیریم."

ارتجاع جاقوی با اصطلاح
 عدالت خویش را تیر کرده است و
 رفیق شهرام همچنان در مقابل
 فشارها و توطئه های رژیم و عنک
 صرمزدوران در زندان مقاومت
 میکند.

هم میهنان مبارز!
 پشتیبانی از همه زندان -
 نیان سیاسی از وظایفی چون
 و چرای هر فرد آزاده ای است
 با تمام قوا، از آزادی رفیق
 شهرام پشتیبانی کرده و بسا
 افشای بلاهایی که رژیم جمهو
 ری اسلامی بر سر شهرام آورده
 است، از فشار "عدم صلاحیت
 دادگاههای انقلاب اسلامی در
 محاکمه شهرام و همه زندانیان
 سیاسی" پشتیبانی کنیم! *

رفقا و هواداران! 

در تکثیر و پخش هر چه وسعتتر

پیک رزمندگان

بگوشید!

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

اعتصاب خونین . . .

بعدشهر در حکومت نظامی و خفقان فرورفته بود.

آری ، کارگران مبارزه - شان را به خیابانها گشاده بود - دند و هر کجوه و خیابانی ، بسه سنگر خلق در مقابل دشمن بدل شده بود . وحشت رژیم را فرا گرفت ، و مزدوران مسلح بجان مردم افتادند . کارخانه ها و خیابانهای اطراف آن سنگر و صحنه جنگ شد و سینه های زحمتکشان به مصاف با گلوله های آتشین رفت . کارگران قدرت خود را به نمایش گذاشتند و پشت رژیم سرما به داری و استبداد امپریالیسم شاه خائن و مأموران و مزدورانش به لرزه افتاد .

اما جزئیات چه بود؟ در ماه تیر آن سال وقتی که سودویزه که بخشی از مزد حذف شده کارگران است و عظیمه آریا مهری و انمود میشد ، به کارگران میدادند ، کارگران دیدند به جای مزد ۷۵ روزتنها به اندازه ۴۵ روز حقوق ، سودویزه آنها برداخت شده است ، همین موضوع ناراضی شیدی در میان کارگران برانگیخت و کارگران که بر سر طرح طبقه بندی مشاغل و دیگر اعمال ضد کارگری مدبر - ان کارخانه دل خوشی از کار - فرماندا شدند پیش از پیش خشمگین شده دست به اعتراض زدند ، اما جواب رد شنیدند ، دست به دادن وزارت کار شدند ، نماینده وزارت کار طبق معمول طرف کار فرما را گرفت ، اما کارگران دست برنداشتند ، اعتراض ادا می یافت و نماینده ساواک مازندران به کارخانه

آمد ، اول به طاق رئیس کارخانه رفت و بعد به میان کارگران آمد و گفت " اطلاق شما همین بود " !! کارگری به این مزدور خود فروش گفت " حتما تو هم پیسی گرفته ای که حق به جانب کار فرما میدهی . " ؟!

اعتراض با زهم ادا می یافت و اعتصاب آغاز شد . ساعت ۱/۵ روز ۷ تیر که کارگران قدرت خود را به نمایش گذاردند و تمام بستکا های کارخانه را خوابانیدند ، این بارنوبت زعمای قوم بود که دست به دادن کارگران شونند . مدیرکل اداره کار مازندران آمد و شروع به سخنرانی کرد . اما جرفش و فریاد اعتراض کارگران چیزی نشیند . او حتی نتوانست سخنرانی کند! کارگران شیفته های صبح و شب به نوبت اعتصاب رایا - سداری کرده و به پست - تحویل میدادند .

فردای آنروز در زمان تعویض پست اول و دوم رئیس شهر بانی و مزدوران مسلح وارد کارخانه شدند و میخواستند مانع ورود کارگران پست دوم شوند اما کارگران با زور و فشار وارد کارخانه شدند . و مأموران با باتوم به کارگران حمله ور شدند ، اما کارگران خشمگین با سنگ و هر چه که به دستشان میرسید مقاومت میکردند . رئیس شهر بانی از متفرق کردن کارگران عاجز ماند ، شهر بانی ساری ، ژاندارمری استان ، یادگان ژاندارمری نیز گاه به کمک آمدند ، شاه مزدوران را برای حمله

به کارگران یک گامه کرد ، اما از طرف دیگر دانشجویان دانش آموزان ، انقلابیون و کم - نیست های قائم شهر ، ساری ، و بابل هم خود را به در کارخانه نریساندند و در اردوی کارگران قرار گرفتند ، مبارزه به خیابانهای شهر گشاده شد و متحد - بین کارگران به پشتیبانی آمدند ، زمان تعویض پست شب با پست دوم زمان درگیری و زده خورد کارگران و مردم شهر از یک طرف و مأموران و مزدوران رژیم شاه خائن از سوی دیگر بود . جنگ تا نیمه های شب در سراسر شهر ادا می یافت ، اما تعداد شهدا و زخمی ها هنوز هم معلوم نشده است رژیم شاه جنایات خود را با پرده ای سیاه مینپوشاند پرده ای که خلق ما با مبارزات خود آنرا از هم درید . بعد از پایان درگیری کارخانه به مدت یک هفته تعطیل شد ، تعداد زیادی از کارگران بی شرو و مبارزان کارخانه اخراج و استگیر شدند ، و بقیه نیز زیاد - دن تبعید سرکار برگشتند . اما خیرا اعتصاب تا دورترین نقاط کشور پیچید ، کارگران چیست سازی به شهر و کونی باقی قائم شهر حمایت خود را از کارگران اعتصابی کارخانه اعلام کردند شرح دقیق جریانات شبانه توسط دانشجویان در چندین نسخه نوشته شد و بر در و دیوار دانشگاهها زده و در کجوه و محلات پخش شد ، دانش آموزان ساری دست به تظاهرات خیابانی زدند ، و خاطره اعتصاب خوبین کارگران نساجی شماره ۲ جا - ودانه ماند!

خطاب به رفقا و هواداران!

دوستان و رفقای عزیز! از راه دور دست شما را میفشاریم و از صمیمیت و محبت شما تشکر میکنیم . ازمسانی که نشریه " پیک رزمندگان " منتشر میشود هفته ای نبوده که سیل اخبار و گزارشات شما از مبارزات و مساهدات دوروبرتان ما را غرق در خوشحالی نگرده باشد ، ما یک یک این گزارشات را به دقت میخوانیم و از مطالب مبارزه - اتی خلقها بمان جان تازه ای میگیریم . اما تعداد صفحات نشریه ما محدود است . و ما امکان چاپ تمام این گزارشات و اخبار را نداریم و مجبوریم به وظیفه دشوار انتخاب آنها دست بزنیم و سعی کنیم که هر هفته مهمترین این اخبار مبارزاتی زحمتکشان را انتخاب کرده و چاپ کنیم . از اینکه همه خبرها بستان در نشریه چاپ نمیشود ما را خیلی سوزنش نکنید . نشریه متعلق به شماست و بدون اخبار و گزارشات شما جان و قدرت خود را از دست میدهد ما با زهم بیشتر از پیش به گزارشات و اخبار ، اشعار ، داستانها ، عکسها و نقاشی های شما احتیاج داریم . در بهترین کردن نشریه برای دیگر رفقا بمان و برای کارگران و زحمتکشان و خلقهای سراسر ایران ما را یاری کنید .

پنجمین سالگرد اعتصاب کارگران نساجی قائم شهر گرامی باد!



آقای وزیر صنایع و معادن
آقای محمود احمدزاده هروری
به کارفرمایان به مدیران
شرکت صنایع ساختمانی آکام
اختیار میدهد که شرکت‌های
زمینه، آکام شنی، آکام سا-
ختمانی، آکام فلزی،
را که متعلق به خانواده لاجوردی
های خائسن بود،
است، "در صورت لزوم"
متحل و یا ادغام کند. از همین
بیشتری دولت در خالی که حتی

کارگران بازجویی می شوند!

خفه کنند و هم میتوانستند
آن را ارتقاء داده و امتیازاتی
برای کارگران و برای رشد
مبارزه شان علیه کارفرمایان
فراهم آورد. و کارگران
اسلامی کارگران خوب میدانند
که افکار و عقاید و مواضع
توجه گیری سیاسی یکپارچه
بندگی خبلی مهم است و از این
ست که تفتیش عقاید با مسن
نما بندگان کارگران را میکش
وراستی اگر نما بندگان کمو-
نیست با شما اگر نما بندگان
عقیده داشته باشد که حکومت
جمهوری اسلامی خواسته های
کارگران و زحمتکشان را پاسخ
نداده است، اگر نما بندگان
مبارزات کارگران کارخانه را
ادامه انقلاب بندگان، اگر
نما بندگان سرمایه داران با
بداران، کمیته جی ها و عوامل
وزارت کار را به این دلیل که
منافع کارگران را زیر پا میگذ-
ارد ضد انقلاب بندگان، برای
آگاه شدن کتابهای کمونیستی
و اعلامیه های افشاگرانه بخوان-
ند، اگر نما بندگان ای معتقد بندگان
وزارت کار در خدمت کارفرمایان
ست و بخواند دقیقاً به سئوالات
این پرسشنامه پاسخ دهند چه
بروزش میاید؟ آیا باقی مسئله
دستگیری حداقل اخراج نخواه
دهند؟ در این صورت
آیا به این پرسشنامه ها ما
ما دقیقاً پاسخ ما دو ما ننسند
برگ بازجویی ما واک شانتا
هی باید آنرا از پاسخ های
فقط اندازه بگیرد و ما هست آنرا
برای کارگران افشاء نمود؟
به این پرسشنامه تنها نوکران
سرمایه داران و یا کارگران
فرب خورد و تا آگاه میتوانستند
پاسخ دهند.

اداره جات مختلف دولتی
انجمن های قدونیم قدا سلامی
مساجد ریز و درشت و شورا های
کارخانجات، همه و همه متخصص
تهیه پرسشنامه برای تفتیش
عقاید کارگران و زحمتکشان و
مردم سراسر ایران شده اند!
بعد از پرسشنامه برای
معلمین، پرسشنامه برای
تهیه گوشت و پرسشنامه برای
خبلی چیزهای دیگر، اینست
کارگران و شورا های اسلامی کار-
گران شهری هم آستین هارا
ببالا زده و به تفتیش عقاید
نما بندگان کارگران و اعضای
"شوراها" و "اعضای انجمن های
اسلامی" کارخانجات منطقه شهر
ری پرداخته است.
سئوالات بازهم آنقدر
منظم و چنان دقیق تهیه شده
که به هیچ وجه نمیتوانی از زیر
آنها در بروی:
- ضد انقلاب کجست و عمل
ضد انقلابی چیست؟
- اوقات فراغت و بیکاری
خود را چگونه میگذرانید؟
- بهترین کتابهای سیاسی
که خوانده اید چیست؟
- کدامیک از احزاب و گروه
وهای سیاسی را تأیید میکنید؟
و... مجموعاً ۴۶ سئوالات
برای آنکه دقیقاً از وضع بندگان
پسند خیردار شوند تهیه شده
است.
این پرسشنامه به نما بندگان
بندگان کارگران و نما بندگان
شوراها تحویل داده میشود چرا
که نما بندگان کارخانه و نما بندگان
شورا در یک کارخانه نقش بسیار
مهمی در سمت دهی مبارزات
کارگری دارد. نما بندگان بیک
کارخانه هم میتوانند مبارزات
کارخانه را به سازش بکشاند و

چه کسی کارگران را بیکار می کند؟

از کار دادن به بخش ناچیزی
از بیکاران نیز عا جز است، و در
حالیکه هزاران کارگر هر هفته
برای جلوگیری از بسته شدن
شرکت و کارخانه ها بشان میا-
رزه میکنند، به سرمایه داران
به این دشمنان تاریخی و قسم
خورده کارگران اختیار میدهد

در حالیکه هزاران بیکار
روز به روز قریب از روز قبل از فشار
فقر و بدبختی و نداری بستو و
میا بندگان در حالیکه هر روز هزاران
کارگر به علت بسته شدن کارخان-
جات و کارگاهها به صف بیکاری
ران اضافه میشوند و در حالیکه
کاردها هزار نفر که بندگان

وزارت صنایع و معادن
دانشگاه تهران
کتابخانه مرکزی
آقای ماسلمان ماسلمان
به استناد فتوای فخری، شماره ۱۹۶/۱۶ مورخ ۲۲/۱۲/۱۳۵۸
۲۲۸ مورخ ۲۲/۱۲/۱۳۵۸ تهران تقدیم به هیئت مدیران اسلامی این سازمان
بموجب این حکم بدینصورت است که به هر دو گروه نمایان ساختمان آکام
کتابخانه مرکزی
فتاوی که گروه نمایان ساختمان آکام و پرسشنامه زمین آکام
ساختمان آکام نظر آکام بین آکام شنی و آکام فلزی و آکام سا-
ختمانی و پرسشنامه تفتیش عقاید کارگران و پرسشنامه پرسشنامه
به پرسشنامه تفتیش عقاید کارگران و پرسشنامه تفتیش عقاید
معمود به پرسشنامه تفتیش عقاید کارگران و پرسشنامه تفتیش
و در صورت لزوم نمایان آکام شنی از آنها بازنگری کرده پرسشنامه
نمایان آکام شنی و پرسشنامه تفتیش عقاید کارگران و پرسشنامه
کتابخانه مرکزی به پرسشنامه تفتیش عقاید کارگران و پرسشنامه
مجموعه آکام شنی و پرسشنامه تفتیش عقاید کارگران و پرسشنامه
مجموعه آکام شنی و پرسشنامه تفتیش عقاید کارگران و پرسشنامه

بخور و نمیرد که داری و دستت
و شی در معرض تهدید و هجوم
رژیم جمهوری اسلامی است

سرکوب نیروهای انقلابی خدمت به امپریالیسم است!

گروگان گیری کارگران ساختمانی برای جلوگیری از تعطیل کارگاه!

کارگران ساختمانی شرکت گسترش مسکن برای جلوگیری از تعطیل کارخانه، مجبور به گروگان گیری چهارروزه، ششولین شدند و سرانجام با قبول و قرارهایی که شنیدند، گروگانها را روز ۲۲ خرداد آزاد کردند، اما از قول و قرارها هنوز خبری نیست!

جریان از این قرار است که کارگران ساختمانی شرکت گسترش مسکن که یک شرکت پیمانکاری در ۵ کیلومتری اصفهان است از مدتها قبل - حدود یکماه و نیم پیش - در کیرمیا - رزه ای برای گرفتن حق و حقوق شان از شرکت هستند و حقوق و مزایای ۴۵ روزشان را میخواهند. با وجود آنکه اکثریت کارگران این شرکت رو - ستایی بوده و از آگاهی زیاد برخوردار نیستند اما به علت آنکه در مبارزات گذشته شان توانسته اند خواسته های بحق خود را از سرمایه داران بگیرند از اتحا دو پیگیری و قدرت متحد خود درک درستی دارند.

از یک ماه و نیم پیش آنها حقوق عقب افتاده شان را از پیمانکار شرکت میخواهند ولی پیمانکار که از دزدان زمان رژیم شاه سابق بوده و میلیونها تومان از قبل دست رنج کارگران به جیب زده است همان تسویه حساب کارگران با حک عنا صرمدگار در درون شرکت فرار را برقرار ترجیح داد.

کارگران زمانی حواسشان مع میشود که میبینند کلاه سرافزفته و از پیمانکار خبری نیست! اما کارگران از ۴۵ روز و حقوق خود دست نمیکشند و وسط شورای خود قضیه را دنبال میکنند، و قرار میشود که شرکت جل را پرداخت نماید مسئولین یکت هزارویک دلیل میآورند: "شرکت پولی در بساط ندارد" "ما قبضی به امضا شرکت

به شما میدهم وقتی خواستید تسویه حساب کنید (آخر کار) این پول را هم آنوقت به شما پرداخت خواهیم کرد... که خلاصه کارگران زیر بار هیچیک از این حرفها که دروغ بودند از همان اول هم معلوم نبود نمیروند و با زهم شورای خود را دنبال خواسته های خود میفرستند. در اینجا با یادشماره کنیم که علی رغم وجود یکی دو نفر کارگر آگاه که عضو شورا هستند شورا بیشتر تا سل دارد که میارزات را از کانال قانونی در چها رچوب قوانین موجود و پشت میز مذاکره پیش ببرند. و نه با اتکا به بازوی توانای کارگران و قدرت متحد آنان! و همانطور که خواهیم دید این مساله موجب میشود که مبارزات کارگران نیمه تمام مانده و گروگانها بدون مفاومتی آزاد شوند.

خلاصه در زمان این دست و آن دست کردن روسای شرکت روز ۱۹ خرداد دو نفر از طرف شرکت نفت آمده و به ظاهر میآیند تا به کارهایی که تا بحال پیش رفته نظرارت کنند اما هنوز - معنی از توقفشان در شرکت نمیگذرد که تلفنی با شخصی در شرکت نفت تماس میگیرند و اطلاع میدهند "وضع شرکت وخیم است کارها خوب پیش نمیرود و بسا بستنی شرکت را خواباند." وبعد از یک دعوی لفظی با مسئو - لین شرکت با کار در حفاظتسی (!؟) شرکت نفت بر میگردند تا شرکت را بخوابانند اما قصد بستن شرکت همان وبه گروگان گرفته شدن این نوکران سر - مایه همان! خبر به گوش کارگران رسیده و کارگران که متوجه قضیه میشوند، این دو نفر را دستگیر میکنند. فریادها - یبند شرکت به آسمان میروند که تورا به خدا مرا نکشید! و خیال میکنند که کارگران همانجا اورا به سزای اعمال گنیش خواهند

رساند. بهر حال از آن زمان تا سه روز این دو نفر در دست کار - گران اسیر میشوند. این عمل روحیه مبارزاتی تازه ای در کارگران ایجاد میکند. فوراً لیست انتخابی از داوطلبان کشیک شب تهیه میشود و کارگران با شور و شوق فراوان اسامی نویسی میکنند، تا بتوانند از جمله احتمالی جماعتاران سر - مایه جلوگیری کنند و بقیه جلوی خوابگاه و بنهار خسوری شرکت فرا خوانده میشوند. در اینجا افراد شورا که علی رغم، فرا خواندن کارگران به مبارزه علیه تعطیل کارخانه، در جریان مبارزات کارگران شرکت خود بخودی بود. شرکت نداشتند سعی میکنند رهبری جریان را در دست بگیرند و بعد از تقسیم بندی کارگران در گروههای ۸ نفری برای کشیک دادن، شروع به افشاگری و تهییج کارگران میکنند. آنچه در تمام این مدت کوتاه چشم گیر بود، نظم بدیگری و انضباط کارگران است و اینکه با چه شور و شوق فراوانی در یک کار دسته جمعی اصل تقسیم کار و پیشبرد کار را درک میکنند و با چه احساس مسئولیتی آن را انجام میدهند!

در دومین روز گروگان گیری، نمایندگان به کارگرایان میگویند "به سرکار برویم ولی به حالت آماده باش خوا - هیم بود تا هر آن که احتیاج به کمک بود همگی حی و حاضر با - شیم." کارگران با وجود آنکه شب تا صبح را نخواهید بودند با شور و شوق به سرکارشان میروند. بعد از ظهر همان سروز عوامل کارفرما به کارگران میگویند "جمع شوید می خواهیم برای تان صحبت کنیم" تمامی کارگران بعد از ساعت کار در نقطه ای جمع میشوند اما از رئیس و روسا خبری نیست کار -

گران عصبانی میشوند و به جلو دفتر رئیس کارگاه میروند و ر آنجا شروع به اعتراض میکنند، که چرا ما را زیر آفتاب جمع میکنند و خودتان در اتاقهای خنک کولردار نشسته اید! خلاصه یکی از نمایندگان شورا یکی از مهندسین شرکت که مانند بسیاری از نوکران کارفرمایان وظیفه و رسالت سازش بین کارگر و کارفرما را دارد، به میان کارگران آمده و شروع به صحبت میکنند، نرم و آرام و مانند همه ساز - شکاران و زورمندان - البته زمانی که کارگران متشکلند و عمل متحدی را دنبال میکنند! و از آنان میخواهد که گروگانها را رها کرده و مذاکره کنند و بعد به کارگران میگویند که چون شب قبل خسته (!) شده اند بیسه خانه هایشان بروند تا نما بیننده هایشان کارشان را دنبال کنند. یکی از نمایندگان شورا هم صحبت میکند اما حرفش همان معنی حرف مهندس را میدهد.

گرچه بعضی از کارگران بطور پراکنده شروع به اعتراض میکنند اما سرانجام اصل مذاکره پذیرفته میشود و مذاکره نمایندگان شورا و رئیس شرکت از همان بعد از ظهر آغاز میشود. بعد از ۲ روز مذاکره ۲۲ خرداد نمایندگان با مسئو - لین شرکت به توافق میرسند که در شرایط کنونی گروگان گیری صحیح نیست و رئیس شرکت برای قضیه حقوقهای پرداخت نشده به تهران تلفن میزند ولی رئیس کل شرکت جواب میدهد "تا وقتی گروگانها آزاد نشوند هیچگونه حرفی در مورد حق و حقوق کارگران مجاز نیست!" و البته بعد از آزادی گروگانها هم دلیلی برای مذاکره در جهت خواسته های کارگران در دست نمیاند و قول و قرارها همه فراموش میشود. و هنوز هم جواب مشخصی به کارگران داده نشده است!

باشعله‌های نفرت درسوگ مرگ رنجبر!

نام: نورمحمدزندی نیا .
 سن : ۶۰ ساله
 شغل : کارگر قسمت سنگ شکن شهرک اکباتان
 علت مرگ : سقوط از سقف یک بلوک ساختمانی .
 تاریخ فوت : ۵۹/۳/۲۷
 این برگه را نیز بیست و یک میلیون هابریگه جنایات پایان ناپذیر نظام سرما به داری اضافه کنید! و داستان تنگین ، هولناک ، تکان دهنده ولی کوتاه این فاجعه دردآور انیز با طریقی بسیار دردناک و قلب هایتان را کینه توزانه از نفرتی بی انتها نسبت به دشمنان طبقه کارگر آکنده سازید!
 کارگری دوتا شده از رنج ، صبح روز حادثه ، مثل همیشه بالای دستگاه سنگ شکن می‌رود .

دستگاه هیچ وسیله ایمنی ندارد . دستگاه فاقد حفاظ سیمی است . کارگر ، یادستان پینه بسته اش ، تمام سختی کار را بر شانه های نحیفش میگذارد و مثل همیشه ، همدوش با خطر مرگ کار را آغاز میکند . کارگر ۶۰ سال دارد ، پیرمرد پنجاه ساله - آری نیم قرن - تمام سی سنگینی نفس گیر کوله بارستم "سرما به" را بر بند بند استخوان ان هایش حس کرده است و اینک تمام اندام نحیفش ، خمود جسم رنج است ، تجسم فقر ، تجسم غارت ، تجسم شکنجه و تجسم جنایت! او هر لحظه که کار میکند ، هر لحظه که جان میکند تمام دناات و پلیدی سرما به رابه نمایش میگذارد و امروز

- روز حادثه - بویژه چه واقعته هولناکی در جریان است!
 پیرمرد ، از فراز سنگ شکن بر روی سسمه تقاله سقوط میکند و بر زمین پخش میشود .
 کارگران سراسیمه جمع میشوند . آری ، رفیقی از ارد - دوی کارگران ، صحنه ای از سر نوشت احتمالی آنان را به نمایش گذاشته است!
 کارگران نعره رفیقشان را به بیمارستان شماره ۲ - مین اجتماعی می‌رسانند ، به پایگاه بی در و پیکر آسب دیدگان سرما به ، اینجا ما وای قربانیان گرگ های خون آشام سرما به داری است . اینجا چهره خون آلود نظام استثمارگران بر گونه های زرد همسفران

کارگران ، در سرفه های خرو - شنده ، فرزندان خردسال و نحیف زحمتکشان و در استخوان ان های شکسته و انگشتان برید کارگران ، عربا بنتر از همیشه بیچشم میخورد .

گویا بزشک جمهوری اسلامی برای "سرفه جویی" در "بود - جه" ی حکومتگران حامی سرما به ، از عکس برداری منفری پیرمرد خودداری میکند . شاید هم میاندیشد که پیرمرد عمرش را کرده و با توجه به ارتش عظیم بیکاران ، دیگر به وجود او احتیاجی نیست! آری ، خیسل بیکران گرسنگان بسرعت جای او را خواهند گرفت!
 بزشک ، پیرمرد را به همان سرعتی معاینه میکند که حقوق ما هیانه اش "حلال" شود و آنگاه او را مرخص میکند!

نعره کارگر را به خانه می‌رسانند و ساعتی بعد ، قلب رنجوری که بیش از نیم قرن ، برای پر کردن جیب محتسی سرما به دار ، طپیده بود ، از کار باز میماند .

آری ، برگه ای بر میلیونها برگه "جنایت سرما به داران سر اسرجهان اضافه میشود ، شهرک اکباتان در ماتم فرو میرود . کارگران به سوگ مینشینند و مسئولین بسرعت اطراف محل او را حفاظ سیمی میکنند ، تا مرگ جا نگذار و جنایتکارانه قهرمان داستان ما ، بخوبی و خوشی و منطبق با قوانین "عادلانه" ی حکومت سرما به داران قلمداد شود .

آری ، کوردلان چنین میپندارند که اگر مرگ او با قوانینشان منطبق گردد ، از لهیب شعله های خشم کارگرانی که میروند تا جهان سرما به را بسوزانند در آستان خواهد بود! اما زهی خیال باطل!

بولدوزرها و پاسداران در مقابل بازحمتکشان آلونک نشین!

حدودش مابعد از انقلاب عده ای با لباس های پاره و کثیف و بادست خالی در مقابل رگ بعثت خیابان بخارایی (خزانة فرج آباد سابق) شروع به خانه سازی کردند ، آنها با حلب شیروانی و تکه پاره های ماشین اسقاطی و قوطی حلب روغن نباتی آلونکی برای خود سرهم کردند . مردم محل که از درد و رنج آنها خبردار بودند از آمدن این زحمتکشان استقبال کرده و برایشان آب و بیخ و گاهی اوقات غذای گرم میبردند .
 چند ماه از این جریان گذشت که سروکله کمیته چی ها پیدا شد : آنها به ما حیوان الو - نک میگفتند شما فدای انقلاب

هستید و برای بردن آبیروی انقلاب در چنین جای زندگی میکنند و در میل مرد محل تبلیغ میگردند که اینها در شمال شهر خانه دارند و میلیونها برای از زمین بردن اینجا به ایسن محل آمدند ، آنها کشیغند مکس جمع میکنند و بیچه های شمارا میض میکنند ، اما مردم محل قبو ل نکردند ، آنها بیچشم خودشان میدیدند که آنها هیچ چیزی برای خوردن و زندگی کردن ندارند و خودشان هر کدام دهها بیچه قد و نیمقد دارند آخر چطور میشود آنها شمال شهری باشند؟!
 سرانجام یک روز عده ای از طرف شهرداری و کمیته آمدند تا این کپرها را خراب کنند و

از مردم میخواستند که جلوی بیفتند ، ولی مردم زیر بار این کار نرفتند ، آنها کوشیدند تا با جمع کردن امانت و درست کردن طومار مردم را وادارند تا کپرنشینان را مزاحم زنده گی خود اعلام کنند ، ولی باز هم موفق نشدند .
 بالاخره در تاریخ ۲۴ خرداد رژیم جمهوری اسلامی این حال می واقعی سرما به داران بود - سیله کمیته چی ها ، عناصر سر شهرداری و ۲ بلدوزر وارد معرکه که میشود در عرض چند ساعت اثری از آلونک ها باقی نماند . این بار به مردم محصل میگویند اینجا پارک میشود و خودتان استفاده خواهید کرد!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

خلق می خروشد، رژیم قربانیان جدید می طلبد!

درباره اعدام دکتر نریمی ساومهدی علوی شوشتری

سابقه جرم افشای یک ساواکی که برادرش از روحانیون نفوذ اهوآست (شیخ کرمی) روز دوم اردیبهشت در محفل کاخ خود دستگیر میشود و از همان موقع حکم اعدام او صادر میگردد و او را در کنار رییسک دانشجوی انقلابی جریسان دانشگاه اهواز مهدی علوی شوشتری به جرم شرکت در حوا- دث دانشگاه به اعدام محکوم کرده و به شهادت میرسانند.

آری مجازات مبارزه با ساواکی هایی که برادرشان آدم با نفوذی در جمهوری اسلامی باشد مرگ است. مرگی پنهانی و با جراحی دورغین. اما در پیشگاه خلق قهرمان مادکتر نریمی ساومهدی علوی شوشتری و سایر شهدا و دستگیر شدگان حوادث دانشگاه فرزندندان دلیری هستند که خوششان روشن کننده راه ادا ما انقلاب خلقهای قهرمان ایران است. سنگ و نفرت برای قاتلین دلیرترین فرزندان خلق باد.

نریمی ساونها و تنها مبارزه علیه یکی از مزدوران ساواک بود که این برادرش از روحانیون با نفوذ اهوآست دکترینریمی سا در حین خدمت در سوئس گرد با یکی از مزدوران ساواک درگیری پیدا میکند و حتی اقدام به دستگیری وی نیز میشود ولی دکترینریمی سا به کمک مردم موفق به فرار شده و در تهران مخفیانه به کار مشغول میشود. اما وقتی پس از قیام به سوئس گرد باز میگردد تا مجدداً به طبابت بپردازد، شخص ساواکی را در کمیته آنجا میبیند و دست به افشای او میزند و لذا وقتی او را از کمیته اخراج میکنند اما دکترینریمی

قلب تهران دست از کار کشیدند و جزیبیماران اورژانس کسی را نپذیرفتند پزشکان حیسن تخصص بیمارانستانهای تهران در یک گروه آبی قطعنامه ای صادر کردند و کانون دستیاران تهران همراه با دیگر همکاران دکترینریمی سا و پدرش فعالان در افشای جنایت رژیم میگرد شدند. کانون دستیاران تهران مدتها قبل کوشش کرده که حداقل رژیم را به محاکمه بکنند نریمی سا و ادادردولی رژیم بدون محاکمه و بطور مخفی و بدون هیچگونه دفاعی دکترینریمی ساومهدی علوی شوشتری را به خود اعدام سپرد. در این میان حرم دکترینر

دستهای رژیم جمهوری اسلامی بکار دیگری بدخون دلیران بین فرزندان خلق آغشته شده است. دکتر نریمی ساومهدی علوی شوشتری دانشجوی رشته ریاضی دانشگاه اهواز به جرم "موضعگیری در مقابل جمهوری اسلامی" روز ششم تیر - ماه به جوخه اعدام سپرده شد. نام آنها را در میان ۶ زندانی غیر سیاسی اعلام کرده بود. دند و در تلویزیون اهواز دکتر نریمی سا را به نام دکتر "پریمان" خواندند تا جنایت شان هر چه بیشتر از چشم خلق قهرمان ایران پنهان بماند. اما حقیقت آشکارا رکشته مبارزات همکاران دکترینریمی سا قبل و بعد از اعدام دکتر و مهدی علوی شوشتری و افشاکری های نریمی و های انقلابی و کمونیست احازنده دادگاه جنایات رژیم پنهان باشد و خون سرخ این فرزندان دلیر بر سارود. پزشکان اهواز را اعتصاب کردند دستیاران بیمارستان

مقابل هیات حاکمه چشم پوشی میکنند و بجای روشن کردن صداآرمان های سیاسی خود با منافع رژیم جمهوری اسلامی سعی در آشتی دادن اینها دارند و با انتقادات پاره پاره به این بیان عمل کرده هیات حاکمه ماهیت رژیم جمهوری اسلامی را از دیدگاه هواداران خود پنهان میکند، اینبار نیز بجای عکس العملی انقلابی در مقابل چنین حملاتی به سیاست مظلوم نمایی متوسل شده و بیش از یک هفته است که ما شاهد تعطیل "مجاهد" و دفنا ترغلتی آنان هستیم! سازمان مجاهدین خلق در این دوران که میبایست در مقام بل تمامی این حملات با توضیح ماهیت این حملات برای هو-

رسمیت بشناسند. تنها کسانی که با پیدا راه رسمیت بشناسند و در میان خود پدید بیاورند توده ها، کارگران و زحمتکشان هستند و اتفاقاً روز به روز کسانی را که توده ها بیشتر می پذیرند و به رسمیت میشناسند از نظر هیات حاکمه بیشتر و بیشتر "فدائیان" می "قلند" میشوند. چرا که روز به روز رورود رویی منافع بیشتر و بیشتر میگردند. اما سازمان مجاهدین خلق که چندی است راه مباحثات و سازش با هیات حاکمه و بخصوص بنی حد و جناح بورژوازی آن در پیش گرفته است هنوز هم چنین میبندد که با اتکا به سکوت مصلحتی آنها، بهتر است خود را یک مخالف قانونی جنلوه دهد! سازمان مجاهدین خلق که مدتهاست از منافع توده ها ر

از دست داد و آبرو از هیات حاکمه کدایی کرد؟ آیا این رژیم جمهوری اسلامی است که به نیروهای انقلابی امکان چاپ و ارائه و توزیع نظرات خود و فعالیت انقلابی را داده است یا مبارزات خونین خلقهای قهرمان ایران؟ مگر ایس همین جمهوری اسلامی نیست که با انتشار یک اطلاعیه، همه مطبوعات و نیروهای انقلابی را توقیف کرد؟ و مگر همه آن روزنامه ها، با پشتیبانی بخش های آگاه خلق به انتشار خود ادا نمیدادند؟ اگر بشوآنه کار و فعالیت ساززاتی نیروهای انقلابی و کمونیست، پشتیبانی توده ها و خلقهای قهرمان ایران از این نیروهاست چرا ما باید از هیات حاکمه بخواهیم که ما را بس

بقیه از صفحه ۱
خطاب به
تحت حمله قرار میدهند! جازده فعالیت رسمی و قانونی میخورد اهدونتا در بنا فاین "اجازه نامه" فعالیت هایش را تعطیل کرده است. مجاهد چاپ نمیگردد و دفنا ترغلتی سازمان مجاهد بن بستنده است! ما از مجاهدین خلق جواب منطقی میخواهیم! چرا تا اعلام رسمی مقامات بخش مهمی از فعالیت شما با بدستوقف شود؟ چرا حقوقی را که خلق ما به سه خاطر آزادی خواهی و دموکراسی طلبی هیات حاکمه کنونی بلکه به قیمت خون هزاران شهید بدست آورده اند با بدست در احتی

اعدام انقلابیون لکه ننگ ریگری بردمان جمهوری اسلامی!

باز هم حجاب مسأله روز شده است یا بهتر بگوئیم آنرا مسأله روز کرده اند! رژیم در اوج ناتوانی و در پاشخویی به مسأله و مشکلات و خواسته های توده ها،

انقلابی انجمن های اسلامی دانشجویی پشتیبانی نمیکرد و برای اعمال ضدانقلابی حکومت صحنه میگذارد، همدست امیر - یالیم و فاسدو د! اینان نه قعدتان از بین بردن فساد -

و روشنفکر را به کاروان شهدای راه آزادی، اهداء کرده است. زنان ما، سالهای سال، در زندانها، شکنجه گاهها و جو - خه های اعدام، در عمل برابری خویش را با مردان به اثبات

با بیان دادن به فرهنگ منحط جوامع سرمایه داری یا بحد نظام سرمایه داری وابسته اند بود کرده و زنان بعنوان بخشی مهم از جامعه، چون تما می اقرار و طبقات با آموزش ش

پوشش اسلامی

بردهای بی روی مشکلات رژیم!

چون گذشته به ایجا دجوشه بیج دست زده است تا به این وسیله توده ها را بیج کرده و برای مدتی هم که شده مسأله و مشکلات خویش را از نظر توده ها دور گرداند.

بر خورد رژیم حاکم کنونی، به مسأله زن، علاوه بر جنبه طبقاتی خویش، از یک خصوصیت فوق ارتجاعی و واپسگرایانه برخوردار است. اینها حقوقی را که حتی بوزواری نیز به زنان میدهد، از قبیل امکان قضاوت، امکان رئیس جمهور شدن، استفاده از حقوق یکسان در مورد ازدواج و طلاق با مردان از زنان باز پس گرفته اند و صدها حقوق دیگر را که در جامعه سرمایه داری همه رسمیت شناخته شده است، زیر پا گذاشته اند! آنها با هر چیزی که از آن، بوی آزادی زن بپاشد رسد مخالف اند. آنها بر مذهب فساد سرمایه دارانها معیه انگشت میگذارند! ما راه حلش را بپچاندن زنان، میان پارچه و پوشیدن لباس آستین بلند است! آنان چادر و روسری را مانع و سد در مقابل اناعه، فساد میپندارند و با اندیشه های قرون وسطایی خود چینی و انمود می کنند که رسی که ظبق استانداردهای آنان لباس نباشد فاشد و رواج ده شده، فساد است! همچنانکه در دانشگاه هر کسی که از ترهای ضد

های جوامع سرمایه داری بلکه برگرداندن زنان به قرون وسطا و دور کردن نیمسی از جمعیت ایران از عرصه اجتماع است. آنها که میدانند تعداد زیادی از زنان زیر بار این زورگویی شرفته و از دست دادن شغل خود را به گردن نهادن به چنین اجبار قرون وسطایی ترجیح میدهند، با رضایت کامل احکام خود را صادر میکنند تا شاید از دست عده ای از کارمندان معترض راحت شوند! عمل آنها در جهت نابودی فساد نیست بلکه فساد را در پیره و پوشیده میخواهند! آنها فقط میخواهند ظاهراً قضا یا را حفظ کنند! مگر آن موقع که چادر بر سر سرتمای زنان بود فحشا و فساد رواج نداشت؟ اما مرتجعین به این مسأله کاری ندارند. آنها به این مسأله کاری ندارند که اخراج تعداد نان آور خانوادده خویش اند و با توجه به بیکاری و حشناکی که در جامعه وجود دارد، در واقع خود نمیتوانند زمینه اناعه، فساد و فحشا باشد. آری آنان به تمام این حرفها کاری ندارند و فقط بر زورگویی های ارتجاعی خود پای میفشارند!

زنان ما نسیمی از جمعیت فعال کشور را تشکیل میدهند. انقلاب جوانی ایران صدها سهدرن، از ما میوز حمتکس

رسانده اند. برابری در مقابل مظلوم اجتماعی و ستم های فرهنگی و قومی!

آری! زنان آگاه و میا - رژیمین ما مدتهاست که نشان داده اند جا معده به دودسته زن و مرد تقسیم نشده است. جا معده طبقات متخام تقسیم شده است و زنان علاوه بر ستم طبقاتی، از ستم دیگری هم که ناشی از موقعیت نابرابری شان در جامعه است، رنج میبرند. آری زنان باید از ستمهای سرمایه داری و از فساد و فرهنگ انحرافی که جا معده سرمایه داری بر آنها تحمیل میکنند رها کردند! ما نه بوسیله تفکرات قرون وسطایی و بیچانده شدن در لابلای پارچه های رنگارنگ! دشمنی کمونیست ها، مظاهر تولید جا معده سرمایه داری و از جمله فساد و فرهنگ انحرافی بر هیچ کسی پوشیده نیست! اما این دشمنی از موضعی انقلابی بی انجام میگیرد و آستین گرا با نه ما داشتن یا نداشتن روسری و چادر را دلیل فساد نمیدانیم ما معتقدیم برای

بقیه از صفحه ۹

و رواج فرهنگ انقلابی، خود با تماشای مظاهر منعطف گذشته به مبارزه برخاسته از میدان می جلوه های کثیف سرمایه داری رهایی یابند.

بی شک مبارزه با تبدیل شدن انسان به یک موجود صرفی و مقابله با تفکرات نادرستی که زن را به یک کالا و یک عروسک تزئینی بدل میکند، بخشی از آیین آموزش فرهنگی خواهد بود.

زنان انقلابی و مبارزان! با مقاومت در مقابل این زورگویی و مبارزه با فضای تهدید و ارعابی که حکومت بوجود آورده است، بدر عیسن حال با مرز بندی کامل و جدا کردن مقوف خود از صف آنان که در این مقاومت، ادامه فساد و بقاء فرهنگ منعطف سرمایه داران را جستجو میکنند، حقوق تفکر آنتیک خود را کسب کنید!

زنان مبارز و قهرمان ایران! هیچگاه در زیر بار زورگویی های حکومت جمهوری اسلامی نخواهید هدر رفت!

جزدل کردن از قدرت توده ها و چشم دوختن به قدرت هیات حاکمه است؟ آیا این جز کدایی است - زادی و خودداری از باز ستاندن آن و پای نشردن بر حقوق و دستاوردهای قیام قهرمانانه خلقهای قهرمان ایران است؟

بقیه از صفحه ۱۴

بنگه دژ

معنادین بعد از مدتی از عناصر فعال ثوراها و بنگه‌ها گشتند. ثوراها متخلفین را دستگیر و به سازمانهای سیاسی تحویل میدادند و سازمانهای سیاسی آنها را در مقابل خود مردم محاکمه میکردند. ثوراها

میشد و با خود مردم با اسلحه به بنگه‌ها ملحق میشدند. آموزش نظامی جوانان محل در بنگه‌ها هم تحت نظر سازمانهای سیاسی قرار داشت. با توجه به آنچه گفته شد، ثوراها و بنگه‌ها ارگانهای خدماتی، دفاعی و حفاظتی بودند و کارشهریاتی، شهرداری و نیروهای مسلح را انجام

*** در هر مبارزه، توده‌ای، برای مقاومت، تعرض و تامین مایحتاج زندگی، مردم باید متشکل شوند. بدون سازماندهی و تشکل توده‌ای، هیچ انقلاب و مبارزه‌ای به پیروزی نمیرسد.**

میدادند. البته بطور ناقص و محدود. و از نظر سیاسی و نظامی تحت رهبری سازمانهای سیاسی شهر قرار داشتند.

اما وظایف ثوراها و بنگه‌ها در زمان جنگ چه بود؟

به محض آنکه خبر آمدن ارتش به نزدیکی شهر اعلام شد مردم برای مقابله به دو دسته تقسیم شدند، قسمتی به جلوی ستون ارتشی رفته و جلوی راه ورودی شهر بست نشینند و عده دیگر خود را آماده دفاع از شهر کرده و بنگه‌ها این دسته دوم را سازمان میدادند. در هر محل به سرعت سنگر بندی شد، در خیابانها راه‌بندان ایجاد شد و مردم شروع به کنترل عبور و مرور ماشینها نمودند در اینکار مزدان، زنان، دختران و پسران پیرها، جوانها حتی بچه‌ها با دستهای کوچک آینده ساز خودستگرددفاع از دستاوردهای مبارزات توده‌ها را بنا میبختند. مردم جنگ را جنگ خودشان با ارگانهای سرکوب رژیم میدانستند و چه خوب فهمیده بودند که تحولات بعدی رژیم و خمپاره‌ها و بمبها آنچه را که درک کرده بودند بیشتر از پیش برایشان مسلح میبخت! کار بنگه‌ها در طول جنگ به خوبی نشان داد که دورنگری سازمان

هنچنین وظیفه بالا بردن دانش سیاسی مردم را به عهده داشتند به این صورت که اعضای محل در هفته چند شب در مساجد محل جمع میشدند و نمایندگان سازمانهای سیاسی خلق کرد، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) حزب دمکرات، سازمان چریکها، سازمان پیکار به این جلسات آمده و نظرات خود را بر ای آنان توضیح میدادند و از این طریق آگاهی و دانش سیاسی مردم شهر را بالا برده و مسائل را برایشان روشن میکردند. این موضوع باعث شده است که در کردستان اکثریت قریب به اتفاق مردم به یک گروه یا یک سازمان سیاسی مشخص بپیوندند.

اما اینها همه وظایف ثوراها در عا ماه مسلح بود و با توجه به چشم انداز حمله رژیم میبایست آنها خود را برای دفاع از شهر نیز آماده میکردند. در هر محل جوانان شهرها دختر و پسر و تمام کسانی که امکان جنگیدن و دفاع از شهر داشتند، آموزش نظامی میدادند. آموزش اسلحه‌های تنگ، آموزش کمک‌های اولیه و شنا سازی و بکارگیری داروها و... در بنگه‌ها نیز مرفهت و جوانان محصل برای دفاع از شهر آماده نمیشدند. اسلحه‌های سنگین با اسلحه‌های کوچک هم محصل

نهای سیاسی کردستان و مردم قهرمان شهر مقاومت حتی یک بگذره نیز بیهوده نبوده و بدون بنگه‌ها شهرسندج حتی یک روز نیز نتوانست این چنین که دیدیم مقاومت و مبارزه کند. در این مدت کار بنگه‌ها دو قسمت بود، اول کار نظامی که در راه بطنه با سازمانهای سیاسی وزیر تنظیمات این سازمانها برای پاسداری از محلات و شرکت در جنگ و دستگیری جاشها و تحویل آن به سازمانهای سیاسی در محله محله خود صورت میگرفت و دوم امداد و کمک به مصدومین جنگ و دیگر کارهای خدماتی. در این موارد کار بنگه‌ها به معجزه بیشتر شایسته داشت و قهرمانان بنگه‌ها زیر آتش خمپاره به کمک مجروحین میشتافتند زمانی که محله‌های هدف خمپاره‌ها را رتس جمهوری اسلامی قرار میگرفت، در خانه

و چندین نفر از اعضای بنگه‌ها نیز در این کمپورسانی به مردم مجروح شهر شهید شدند. کنار تهیه غذای مردم محل و رساندن آن به پیشمرگه‌ها در سنگسرا نیز بنگه‌ها سازمان داده و انجام میدادند.

داستان قهرمانی‌های اعضای بنگه‌ها در جنگ سندج که دوشا دوش پیشمرگه‌ها و تمامی مردم شهزبه مقاومت در مقابل تهاجم ارتش ضد خلقی میبرد. اختنند خما سه‌ای، بیست که سالها در دل خلق کرد و کارگران و زحمتکشان ایران و سراسر جهان باقی خواهند ماند.

این حماسه، چیزی نیست که رژیم بتواند، حتی خاطره آنرا تحمل کند. آنها سعی میکنند برای اینکه این سازمان توده‌ای، برای خلق‌های قهرمان ایران الگو قرار نگیرد، با شایعه پراکنی، در

*** بدون بنگه‌ها شهرسندج حتی یک روز نیز نمیتوانست این چنین که دیدیم مقاومت و مبارزه کند.**

وغ سازی و شهت زنی‌های بیشرمانه به خراب کردن تصویر آن پیردا زندگی از عالیتربین ارگان‌های توده‌ای تاریخ بر فروغ خلقهای قهرمان ایران را با سالوسانه ترین روشها از مضمون تهی سازند. ★

لیکه تمام مردم و پیشمرگه‌ها سعی میکردند به ساختمانهای دوطبقه و زیرزمین‌ها پناه ببرند ماشین‌های امداد بنگه‌ها زیر باران خمپاره‌ها به کمک مصدومین و زخمی‌ها میشتافتند

بقیه از صفحه ۱۴

طبقاتی، چاره‌ای جز غیرسرماتونی کردن و سرکوب نیروهای انقلابی را ندارد، میتواند حتی به سازمان مجاهدین خلق چاره، فعالیت آزاددهد؟ ما میگوئیم هم اینک صف نیرومندی از کارگران و زحمتکشان میمان، چنین اجازهای را صادر کرده اند و هر روز نیز تعداد بیشتری از توده‌ها

به این صف میپیوندند. ما میگوئیم آنچه حکومترا خوبتر به این یورش‌ها میکند، حضور نیرومندی و حمایت فعال توده‌ها، از نیروهای انقلابی است و نیز آنچه تاکنون یورش و گشتار و ترسوری کمونیست و انقلابیون را نسبت به شیعوبق انداخته است همین حضور نیرومند و همسخت حمایت فعال توده‌ای است. ★

عقرب زدگی زندانیان سیاسی در زندان مسجد سلیمان!

زندانیان سیاسی مسجد سلیمان که تعدادشان به بیش از ۱۰ نفر میرسد را اعتراض به وضع بد زندان، بازداشت‌های بیسورد خود دست به اعتصاب غذای تروند. و بعد از ۴ روز اعتصاب غذای تروعدم رسیدگی دادستانی به خواسته‌ها - بیان از روز پنج شنبه ۱۵ خرداد ادست به اعتصاب غذای خشک زدند. زندانیان در نامه‌ای به دادگاه انقلاب شهرستان مسجد

سلیمان نوشته‌اند: "ما زندانیان سیاسی بازداشتگاه سپاه پاسداران مسجد سلیمان بدلیل مختلف پخش و حمل اعلامیه و روزنامه و پلاکاردها دستگیر شده ایم و هم اکنون در شرایط شدیدنا مسا عداین زندان بسر میبریم (از جمله کمبود آب، گرمای تحمل ناپذیر زندان و کثیف بودن زندان و توالت) مسا شدیداً اینگونه تضیقات و فشا

رهای روحی و روانی و برخورد - دهای بد زندانیان با زندانیان و بخصوص زندانیان سیاسی... محکوم کرده و خوا - ستار آزادی فوری و بدون قید و شرط خود هستیم.....
زندان مسجد سلیمان فاقد حداقل وسایل رفاهی از جمله پنکه (با توجه به هوای بسیار گرم خوزستان) آب آشامیدنی و غذای مرتب است و سلولها کوچک و رختخوابها بسیار کثیف و کپنه میباشند و زندانیان سیاسی پس از عقرب زدگی چند تن از رفقا در زندان به اعتصاب غذا دست زدند. هر این مدت خانواده‌های زندانیان سیاسی در محل کار داد

ستانی انقلاب تحمن کرده و خوا ستار آزادی فرزندان نشان میگردد در روز شنبه ۱۹ خرداد خانواده‌های زندانیان سیاسی با پاسداران درگیر میگردد و در جریان درگیری به دادستانی انقلاب هم کسه سروکله اش پیدا شده اعتراض کرده و نمیکذارند برود. او هم اسلحه اش را بیرون کشید و روی شقیقه یکی از پاسداران میگذارد. که در این موقع اعتراض تمام می خانواده‌ها بلند میشود.

بالاخره دادستانی انقلاب قول میدهد که یک زندان عالی درست کرده و تا آن موقع کوکتر و آب یخ در اختیار زندانیان بگذارد. ★

بقیه از صفحه ۱۳

انقلابی یک یک این فاشیستها و جنایتکاران آماده است!

اعدام، شکنجه سوخت اشغالگران حکومت

۱ - تا بحال نزدیک به ۱۵ نفر را در سنج اعدام کرده اند که تعدادی از آنها دختر بوده اند. قبل از اعدام آنها را به شدت شکنجه کرده اند و حتی به چشم یکی از پسرهارا ۱۵ ساله از زمان جریکهای فدایی بوده است به نام "غلام خاکباز" از حقه در آورده اند. به دختر - ان تجاوز کرده و دو روستای آنها را با سیکا سوزانده اند.

۲ - در زندان شهر حاجی شهر سنج در حدود ۲۰۰ - ۲۵۰ نفر زندانی جا داده شده اند که همگی بعد از بیرون رفتن پیشمرگان دستگیر شده اند. اینها روزی ۱۵ دقیقه اجازه هوا خوری دارند و بیا به زیر زمین که قبلاً آبساز بوده منتقل میشوند. آبسی

زندانیان ممنوع الملاقات بوده و خانواده‌ها ایشان تنها با نامه از احوالات آنها مطلع میشوند.

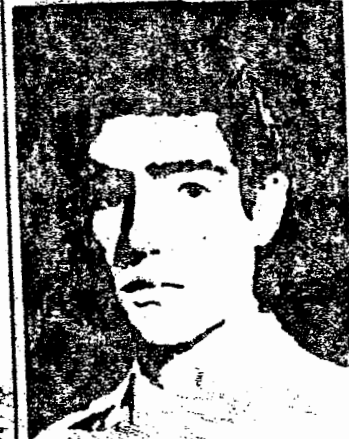
۳ - رژیم جمهوری اسلامی به پاس خدمات پیشمرگان مسلمان کرده، این جاشها و قاتلین خلق قهرمان کردوان برادران دینی بنی صدر به هر یک از آنها ماهی ۳۰۰۰ تومان پول یک لنگه برنج، یک حلب روغن، و تعدادی تایم میدهد. و آنهم در زمانی که کردستان قهرمان و تمامی شهرهای آن از نظر اقتصادی محاصره است و مردم شدیداً در مضیقه مالی و غذایی به سر میبرند.

روز پیشمرگه کومه

گرامسی باد

"به مناسبت سی و یکم خرداد دومین سالروز شهادت رفیق شهید سعید معینی" (خانه) ستاره در خان آسمان مبارک - زات خلقها و زحمتکشان ایران مراسمی در محل یادبود کسان

برگزار شد. دو سال قبل در چنین روزی کاک خانه در جریان یک نبرد نا برابر همراه ۲ تن دیگر از همزمانش در نزدیکی روستای "دری" (منطقه ماوت کردستان عراق) بدست رژیم فاشیست بعث به شهادت رسید.



رفیق "سعید معینی" او - لین پیشمرگه و اولین شهید کومه له بوده و بیستمین مناسبت روزی و یکم خرداد از سوی سازمان ما "روز پیشمرگه کومه له" اعلام گردیده است. تادرسهایی از جانبان و استقامت و فداکاری که این

رفیق شهید در مبارزه برای بیداری زحمتکشان و علیه قدرت فاشیستی و وابسته به امپریالیسم جاداده است. سرفش هم پیشمرگان کومه له قرار گیرد. و این روز یادآور زندگی افتخار آفرین همه پیشمرگان شهید باشد.

(نقل از خبرنامه کومه له شماره ۵۲ به تاریخ ۵۹/۲/۲) سازمان رزمندگان آزاد - دی طبقه کارگر نیز روز شهادت رفیق سعید معینی را همسراه با تمامی پیشمرگان قهرمان سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) و خلق قهرمان کردستان و کارگران و زحمتکشان سراسر ایران گرامی میدارد. بادش جادوان و خاطر فاشی گرامی باد.

رفیق "سعید معینی" او - لین پیشمرگه و اولین شهید کومه له بوده و بیستمین مناسبت روزی و یکم خرداد از سوی سازمان ما "روز پیشمرگه کومه له" اعلام گردیده است. تادرسهایی از جانبان و استقامت و فداکاری که این
۱ - نقل قولها همه از اعلامیه سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران، "در باره کارگران گمبوی جنوب دمکرات" به تاریخ ۵ / ۲ / ۵۹ میباشد. ★

سی و یک خرداد روز پیشمرگه کومه له گرامسی باد!

بقیه از صفحه ۱۴

اخبار کردستان

نگونه که قبلاً به آگاهیتان رساندیم در تاریخ ۱۸ / ۳ / ۵۹ پیشمرگان با زمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (گومه‌له) عده‌ای از مالکین شرور منطقه "نه‌لین" از توابع پیرانشهر را خلع سلاح و دستگیر کردند. علت دستگیری آنها تمسای مکرری بود که نما - بندگان این عده اخیراً در تهران با مقامات هیأت جامعه خلقی برقرار نموده بودند... علاوه بر برخی از این افراد خرابان دولت بعثی عراق نیز تمسای برقرار نموده اند و هم‌اکنون یکی از آنها بنام "محمد کامر" قادر در آنجا به سر میبرد. آخر برای آنها فرقی نمیکند در خدمت کدام ارباب یا شیطان متفاجع خودشان به است... سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران با یک اقدام انقلابی عده‌ای از مرتجعین و مالکین منطقه را دستگیر کرده و قصد دارد که آنها را در دادگاه‌های با شرکت دهقانان و زحمتکشان منطقه "بطور علنی" مجازات کند که حزب دمکرات از راه میسر است.

"حزب دمکرات از همان روز دستگیری این مرتجعین مصرا به آزادی آنها را درخواست نمود و بطور رسمی و غیر رسمی بارها از این باجهت تحت فشار قرار داد. یکسری می گفتند که این افراد با اطلاع حزب دمکرات به تهران رفته و با دولت تماس گرفته اند یا ردیگر اینطور استدلال میکردند که اصولاً گومه‌له جنح مخالفت در امور اجرایی دارند...!!"

و بالاخره "حزب دمکرات" در دادگاه متفان را پیش برای آزادی

ادی این مرتجعین پیشمرگان کومه‌له را محاصره و دستگیر نمود.

سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران در ادامه اعلامیه خود ما هیأت این عمل حزب دمکرات را با ارائه تعداد زیادی فاکت از دیگر عملکردهای فدائقلابی حزب دمکرات در مورد توده‌های زحمتکش روشن نموده و مینویسد "حزبی که نسبت به توده‌های زحمتکش اینطور رفتار میکند و نه فقط در عمل بلکه در سیاست و خط مشی عمومی خود چنین روشی را انتخاب میکند، طبیعی است که نسبت به پیشمرگان انقلابی نیز چنین رفتاری در پیش بگیرد...."

"در حال ما ایمان داریم به که زحمتکشان و خلق رزمنده گردیشیمان آن نیرویی هستند که در جهت منافع و خواسته‌هایشان مبارزه کنند و با اتکال به همین پشتوانه است که ما توانسته ایم در مرحله دوم جنبش مقاومت با دادن نزدیک به ۱۰۰ شهید در مقابل سرکوبگران با سرسختی مقاومت کنیم بنا بر این طبیعی است که میتوانیم در مقابل هر نیرویی که خیال اقدایی بر علیه ما را داشته باشد با قدرت ایستادگی کنیم و به آن جواب مناسب بدهیم. اما آنچه برای ما مهم است احسان دشولیت در برابر خلق و جنبش مقاومت میباشد. بهترین دلیل بنا به تقاضای حزب دمکرات مسافرتی توافقی کردیم که پیشمرگان اسیر کومه‌له را با اربابهای شرور "نه‌لین" مبادله کنیم."

حزب دمکرات در جریان رد و بدل کردن گروهک‌ها، گروهیان ارتشی اسر را بیس نداد و طبق معمول مسئولان حزب جواب دروغ میدادند.

و گفته اند که وی کم شده! براستی که اوچ گیری مبارزه طبقاتی در سراسر ایران و در قلب انقلاب ایران - کردستان - روز به روز بیشتر دست سازشکاران را "رو" میکند و روز به روز بیشتر همراهان واقعی خلق را به کارگران و زحمتکشان می‌شناساند و چه خوب و واقعی میگوید کومه‌له وقتی مسئولان "در بیان ما به مسئولان حزب دمکرات میگوئیم که این نوع اعمال بی منطق و خود برانگیز شانه‌ستازان زرد سازه‌ها را ما طوبی نمیکنیم بلکه برعکس باعث میشویم که کومه‌له روز به روز بیشتر در دل خلق جا باز کند."

خلق کرد و تسلای حماسه‌های مقاومت

چند روز پیش در حاجی آباد از محلات فقیرتشن اطراف شهر سنندج تعدادی از پیشمرگه‌های جنبش مقاومت (به احتمال قوی گومه‌له) در یک خانه خالی به کمین می‌نشینند. پیشمرگان قبلاً با تلفن با ساداران و جاسواران مطلع میکنند که در یک خانه خالی در حاجی آباد درخت و آمدهای مشکوک صورت میگردد! بلافاصله تعدادی جاسوار و سادار با اسلحه و تیربار سوار ماشین آهروان محل میشوند یکی از پیشمرگان با لباس زینسار جلودرب خانه مقابل میایستند و به مجرد دیدن ساداران به آنها خانه را نشان میدهند و میگویند به داخل خانه نیا - یم بهتر است چون امکات ندارد مرا بشناسند و بعداً آذیت کنند ساداران بلافاصله به خانه حمله می‌کنند حمله ساداران به خانه همان و گشته شدن همه آنها توسط پیشمرگان قهرمان همان پیشمرگان ساداران موفقیت عملیات با ماشین

و تیرباران و سایر تجهیزات کسه همراه با ساداران بوده محل را توک میکنند!

* - در محله چهارمیان سنندج در منزل یکی از جاشا به اسم جمال آری و (جمال فلسفی) که یکی از جاشای مشهور شهر است بوسینه خود دختر انقلابی بمب کسار گذاشته شده است و با تیرباری و با خانه او شده اند. جمال فلسفی یکی از کثیف‌ترین جاشای سنندج است که به بازاری برای شناسایی جوانان انقلابی و کونیست کردستان به تهران آمده و چند نفری را هم با دهنه و جاق مجروح و دستگیر کرده است.

در کنار تلاش اهالی قاره مان سنندج، از کوچک و بزرگ برای دستگیری جاشا و ضربه زدن به پایداران و ارتشیشان مهاجم پیشمرگان کومه‌له نیز با شایه شهرت و آمده کرده جاشا را دستگیر کرده و با خود می‌برند.

* - برای شهرهای سنندج تعدادی با میان غیر بومی توسط دادگاه اکثریت داد و طلبان آمده اند. افسران شهرهای قبلی شهر سنندج که مقاومت و دلیری و اعتماد سیاسی خلق دلاور شهر مقاومت را و سازمانهای سیاسی دیده و حاضر نبودند علیه مردم دلاور کردستان کار کنند دیگر برای رژیم جمهوری اسلامی قابل قبول نبودند. تاکنون اکثر افسران این سردوران قابل اعتماد حکومتی بوده‌اند!

* تمام کسانی که در شکنجه‌ها و بازجویی‌های اخیر شهر سنندج دست داشته‌اند شناسایی شده و اسامی آنها در اکثر نقاط شهر مقاومت نصب شده است. خلق کرد و خلقهای سراسر ایران برای اینستاد

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

بنگه

دریاداری زحمتکشان شهر مقاومت

ارتش و پاسداران رژیم جمهوری اسلامی بعد از ۲۶ روز مقاومت قهرمانانه مردم سنج در مقابل اشغال شهرتنها بعد از خروج بیشمرکه‌ها از شهر توانستند وارد شهر شوند. بعد از ورود ایشان به شهر تبلیغات برای فریب مردم سراسرایران در باره خلق دلیر کرد و ما زما نه نهایی راستین سیاسی اشدت گرفت. و در این راه بنگه‌ها این سنگر مقاومت و سازمان توده‌ای خلق گرد در سنج پیش از همه، زیر آماج دروغهای پست و کثیف قرار گرفت.

بنگه کردی یعنی سنگر و در شهر سنج پیش از همه بنگه وجود داشت. دولت بعد از اشغال شهر سنج گفت: بنگه‌های زدی بدل کردن مواد مخدر، جای برقراری روابط نامشروع بین زنان و مردان و استعمال مشروبات الکلی بوده و در آنجا قرض ضحاک ملکی پیدا شده است!

اما بنگه‌ها چه بودند؟

در هر مبارزه توده‌ای، برای مقاومت، تفکر و تأمین مایحتاج زندگی، مردم باید متشکل شوند. بدون سازماندهی و تشکل توده‌ای، هیچ انقلاب و مبارزه‌ای به پیروزی نمیرسد. معمولاً این ارگان‌ها، با توجه به شرایط محلی و قومی و استفاده از تجربیات تاریخی شکل میگیرند. مثلاً در انقلاب مشروطه، انجمن‌ها و در قیام بهمن ماه کمیته‌های محلی و

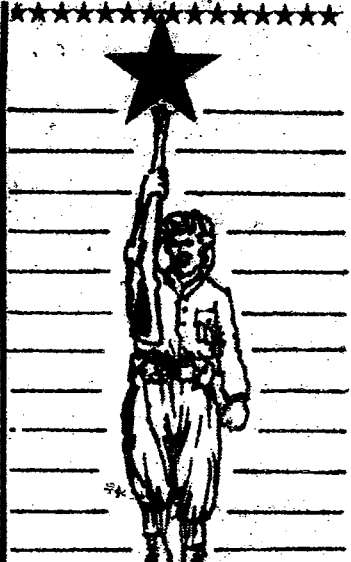
شوراهای کارخانه‌ای و حدودی این نقش را بازی کردند. در انقلاب شوروی نیز شوراهای و در انقلاب چین کمونهای روستایی همین وظیفه را بر عهده داشتند. بنا به موقعیت، این ارگان‌ها میخوانند، سازمان‌های دفاع، مقاومت و یا تفریح باشد. بنگه‌ها و شوراهای محلات نیز یکی از همین ارگان‌ها بودند که جنبش مقاومت خلق کرد را سازمان میداد. همیشه وقتی توده‌ها قدرت میگیرند، ارگان‌های دولتی قدرتمندان ضعیف می‌شود یا همین درست همان چیزی بود که بعد از تحمیل قهرمانانه و یکما همه مردم سنج در استان‌های این شوریه سوارگان‌ها و دولتی جمهوری اسلامی آمد. توده‌ها امور خود را دست خونس مکرفند و دیگران عیناً در آن عیناً بی‌سازمانی دولتی نداشتند.

در اینجا بود که مردم برای اداره امور شهر و برای رسیدگی به مشکلات شهری و جلدگیری از تخلفات شورای محلی تشکیل دادند. این شوراهای محلات منتخب مردم محل بوده و در آن یک نماینده از کارگران و بنگه نماینده از زنان و یک نماینده از مصلحان و یک نماینده از اربابان جمع شدند و عری شورای محله را بدست می‌گرفتند مجموعه نمایندگان این محلات هم‌طور ای مؤسسه محلات را تشکیل میدادند. اما وظایف این شوریه

اهورا بطن آن با بنگه‌ها چه بود؟ مردم کردستان بعد از یک مقاومت جاننا زانه ارتش و پاسداران را از شهرها بیرون ریخته بودند اما آنها سازمان نهایی سیاسی خلق کرده خوبی میدادند که جنگ و مبارزه پایان نیافته و رژیم جمهوری اسلامی تا وقتی بر سر کار است و برای بنگه بر سر کار بماند، حتماً به کردستان لشکر می‌کشد زیرا این جمهوری نمیتواند تحمل کند، در جایی توده‌ها حاکمیت خویش را اعمال کنند از اینرو مردم از شوراهایشان دوکار میطلبیدند یکی اداره امور شهر در موقعیت کنونی و دوم دفاع از شهر در زمان جنگ. و بنگه‌ها که با زوی مسلح شوراها بودند برای این هدف دوم تشکیل شدند.

شوراها به وظایفی از قبیل قیمت‌گذاری کالا، توزیع عادلانه مواد غذایی و مصرفی که با توجه به معارضه اقتصادی کردستان بسیار مهم بوده است، و رسیدگی به مشکلات مردم هر محل میپرداختند. آنها در رسیدگی به تخلفات هم فعال بودند، دستگیری دزدها، جاشها، جمع‌آوری مشروبات الکلی و معالجه معتادین از وظایف شوراهای محلات بود. بخصوص در مورد اخیر شوراها بگریه و با یک برتا به ضربتی معنادار جمع‌آوری کرده و تمام مواد مخدر شهر را دور ریختند. و به معالجه معتادین پرداختند. بسیاری از این

بقیه در صفحه ۱۱



اخبار کردستان قهرمان

کومه‌له، حزب دمکرات و مالکین کردستان

در تاریخ ۲۸ خرداد حزب دمکرات، کردستان همه با بیشمرکه مسلح به سلاحهای سنگین و میک خود را به دستگیری بیشمرگان حزب دمکرات در بین راه نوردت - بصره اشرف، تعفت ادی از بیشمرگان کومه‌له را که یک گروهیان ارتشی راهم امیرداشته دستگیر کردند! سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه‌له) در این باره اعلامیه‌ای به نام "در باره گروهگان گیری حزب دمکرات" نوشته است که در آن ماهیت این عمل حزب و غرض آن را توضیح داده است. "هم میباید مبارزه کرد" بقیه در صفحه ۱۳

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان نظام پوسیده سره ایله‌داری و افسانه را درهم خواهد گویید!